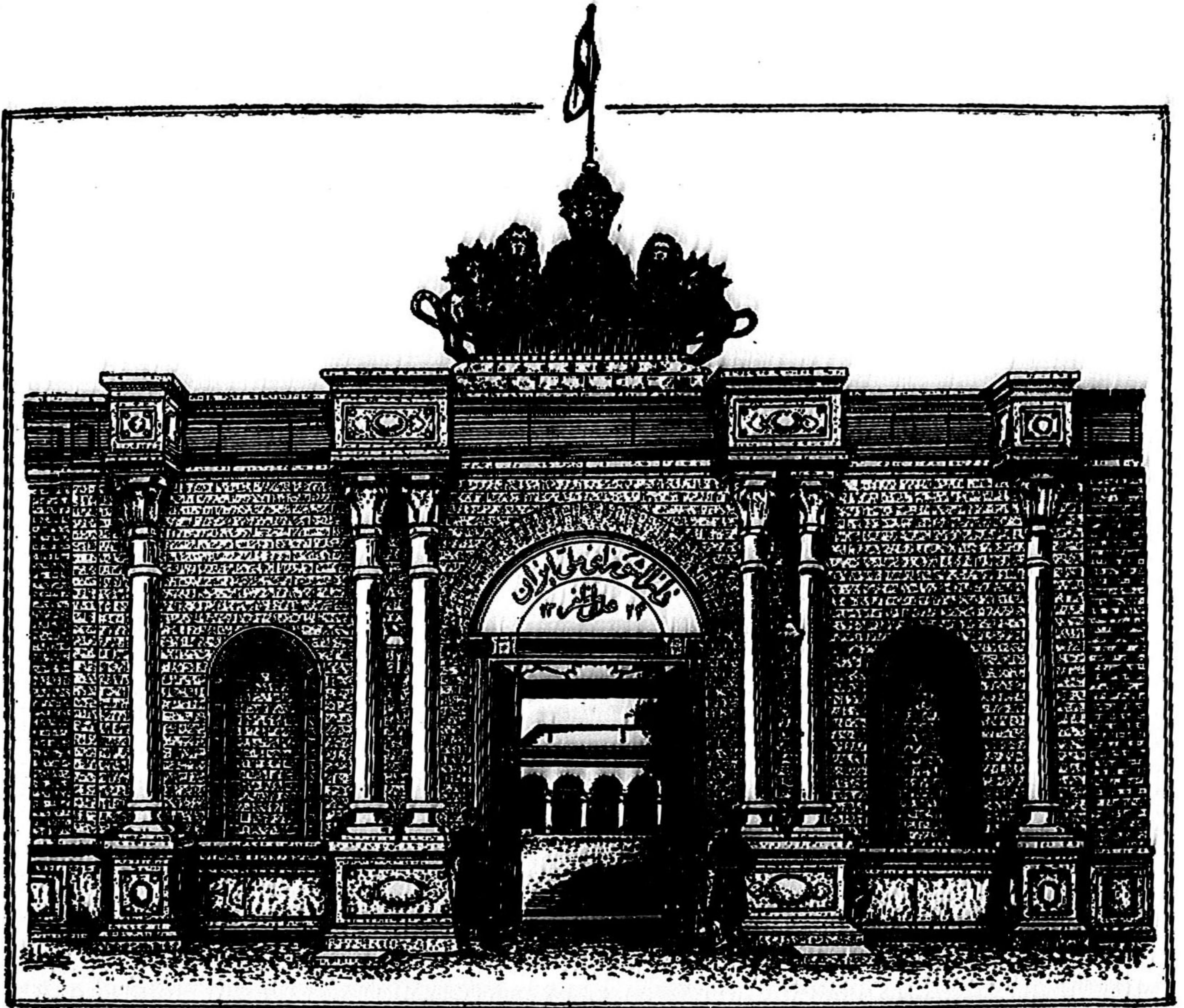


دوره ششم تقنینیه

جلسه ۱۲۰	مذاکرات مجلس	شماره ۸۵
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۹ ذیحجه ۱۳۴۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمت تک شماره يك قران

فهرست مندرجات

نمبر	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور لایحه تمدید اختیارات قانونی آقای وزیر عدلیه و تصویب آن	۱۷۱۹	۱۷۵۴
۲	قانون تمدید قانون مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ راجع باختیارات وزیر فعلی عدلیه بمدت چهار ماه	۱۷۵۵	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۸ خردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۹ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۲۰

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقابان : اسفندیاری - آبت الله زاده خراسانی - نظام
 مافی - سید ابراهیم ضیاء - حیدری مکرری - میرزا
 ابراهیم خان قوام - لبقوانی - بنی سلیمان - فرشی -

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست
 آقای طباطبائی دبیرا نایب رئیس تشکیل گردید)
 (صورت مجلس پنجشنبه ۲۵ خرداد
 را آقای دیوان بیگی قرائت نمودند)

میرزا ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق - زعیم
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان: علی خان اعظمی - حشمتی - حاج حسن آقاملک
در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: نوبخت - میرزا محمد تقی بهار
نایب رئیس - در صورت مجلس اعتراضی نیست؟
(گفته شد خیر)

نایب رئیس - تصویب شد

نایب رئیس - لایحه عدلیه مطرح است آقای دکتر
مصدق.

دکتر مصدق - بنده قبل از آنکه در پیشنهاد خودم
توضیحاتی که لازم است عرض کنم. راجع به فرمایشیکه
آقای یاسائی فرمودند و يك فرمایشی هم که آقای وزیر
عدلیه فرمودند.....

بکنفر از نمایندگان - بلندتر آقا

دکتر مصدق - چشم. بر حسب ماده ۱۰۹ نظامنامه
میخواهم يك توضیحاتی بدهم. آقای یاسائی در نطقی که
فرمودند. فرمودند: فلانی عقیده به ایسانسیه های مدرسه
حقوق ندارد. در صورتیکه بنده به ایسانسیه ها عقیده
دارم و این دلیل نمی شود اگر من بیک کسی يك حرفی
زده ام. اگر بگویند مثلاً بکنفر از وکلا بد است این
دلیل بر این نیست که همه وکلا بد باشند. اگر يك نفر
ایسانسیه کاری کرده باشد دلیل بر این نیست که بنده به
دیگران معتقد نباشم. بنده به ایسانسیه معتقدم و حقیقه
وجود آنها را برای مملکت مفید میدانم و مملکت را
روزی دارای سعادت می بینم که امثال اینها زیاد بشوند
و مملکت هم بتواند از وجود آنها استفاده نماید. این
عقیده بنده است نسبت به آنها. و اما آقای وزیر عدلیه
يك فرمایشی فرمودند یعنی از بنده کلمه کردند و اگر
بنده در مجلس يك عرضی کردم ایشان تصور کرده اند که
من خواسته ام بگویم که ایشان خواسته اند بنده را تطمیع

کرده باشند برای رفتن به عدلیه. بنده خدا شاهد است که
يك چنین تصویری را بهیچوجه من الوجوه نکرده ام مقام وساحت
ایشان منزله از این است که کسی را تطمیع بکنند. ایشان
اگر فرمایشی به بنده فرمودند از روی عقایدی بود که
به بنده داشتند و مایل بودند که بنده را ببرند به عدلیه
و واقعاً از وجود بنده استفاده کنند و بنده هم
اگر زرقم فقط برای این بود که ایشان با اینکه کمال
عقیده را به بنده دارند ولی عرایض بنده را قبول
نکردند. این بود که گفتم خوب این جا يك اختلافی
است حضرتعالی به من عقیده دارید لکن عقاید مرا
نپذیرفتید بنا بر این من در عدلیه چه کار میتوانم بکنم
اصل قضیه این بود و الا بنده بهیچوجه من الوجوه سوء
نظری ندارم. این را مخصوصاً خواستم توضیح داده باشم
مبادا يك سوء تفاهمی شده باشد. اما راجع به پیشنهاد
در باب توضیحاتی که راجع به ماده پیشنهادی خودم
دارم قبلاً لازم است که خاطر محترم آقایان را مسبق
کنم که توضیح هر چیزی باید متناسب با آن چیز باشد
اگر يك کسی نقشه بکشد برای ساختن يك شهر بزرگی
و بعد بخواهد در آن نقشه توضیحی بدهد هر قدر که آن شهر
بزرگتر باشد توضیح مفصل تر است ولی اگر يك کسی بخواهد
يك نقشه بکشد برای يك دهی البته چون ده کوچک است توضیح
آنها باید کوچکتر و مختصر باشد. بنا بر این توضیح
هر پیشنهادی باید متناسب با آن پیشنهاد باشد. اگر
بنده پیشنهاد میکنم که اختیارات قانون گذاری از ماده
واحد موضوع بشود این مسئله بقدری بزرگ است که
شما که امروز میخواهید برای ششاه دیگر اختیار جان
و مال مردم را بیک وزارنخانه واگذار کنید که خودش
قانون وضع کند و خودش اجرا کند بنده اگر در این
موضوع پنج ساعت هم توضیح بدهم باز زیاد نیست ولی
معدلك بنده تا حدی که ممکن بوده است توضیحات خودم
را باختصار نوشته ام و در این جا بعرض آقایان
میرسانم امیدوارم که آقایان توضیحات بنده را قبول

بفرمایند و توجه بفرمایند و اگر هم نظریان دارند بررد
دلایل بنده بفرمایند بنده خودم یکی از اشخاصی هستم
که با کمال انصاف و وجدان هر فرمایشی آقایان بفرمایند
قبول میکنم و خدا میداند هیچ مقصودی ندارم غیر از
اینکه میخواهم امروز که بکنفر ایرانی میخواهد
اصلاحاتی در عدلیه بعمل بیاورد موفقیت نامه داشته باشد
بموجب اصل ۲۷ متمم قانون اساسی قواء مملکت بسه
شعبه تجزیه میشود: قوه مقننه. قوه قضائیه و قوه
اجرائیه.

وضع قانون که عبارت از قواعد و احکامی است که
هیئت تقنینیه برای حفظ انتظامات جامعه تصویب میکند
از وظایف قوه مقننه است و چون بموجب اصل ۲۸
متمم قانون اساسی «قواء ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر
ممتاز و منفصل خواهد بود»

لذا قوه تقنینیه نمیتواند انجام این وظیفه را بعهده یکی
از قواء دیگر واگذارد که هم واضع قانون باشد و هم قانون را
تطبیق نماید

و اختیار اینکه مجلس شورای ملی در ادوار تقنینیه به
کمیسیون عدلیه مجلس برای وضع قوانین داده است باین
اصل مخالف نیست زیرا کمیسیون مزبوره جزء قوه تقنینیه
و بعلاوه قوانینی که در دوره پنجم تصویب نموده جامع
نظریات تمام نمایندگان بوده است و بنده مخصوصاً قوانین
موقت عرض نمیکنم زیرا قانونی که واضعش بشر است
دائمی نیست و کلمه موقت هیچ اثری از آثار قانون را
تخفیف نمیدهد و اگر ما قائل شویم که یکی از قوای
دیگر بتواند وظیفه مجلس را انجام دهد آیا بهتر
نیست که مجلس این حق را به تمام وزارنخانه ها داده
و باز يك بودجه سنگینی را از دوش مردم بردارد؟
بنده تصور میکنم همانطور که تصویب دوازدهم های موقتی
ابجد سوابقی نموده است که مجلس شورای ملی از انجام
یکی از بزرگترین وظایف خود که نظارت کامله در جمع
و خرج مملکتی است باز مانده همانطور هم تصویب این قبیل

مواد سبب می شود که تدریجاً تمام وزراء تحصیل اختیارات
نموده و در انقضاء مدت برای ابقاء مقام و با انجام کارهای
تمام بدون هیچ دلیل و برهان درخواست تمدید نمایند
و بالنتیجه وجود مجلس عاقل شده و آثار قوه تقنینیه فقط
بودجه سنگینی باشد که بدوش ملت میگذازد. اینست عرایض
بنده در خصوص ماده پیشنهادی که تصویب آن برخلاف
قانون اساسی است ممکن است بگویند مخالف قانون
مزبور نیست. در این صورت باید معلوم شود که تمدید
مدت در صلاح مملکت هست یا نیست؟ آیا ماده واحده
همانطور که تصویب شد به موقع اجراء رسیده؟ و آیا
قوانین موضوعه آنقدر مفید است که صلاح مملکت تمدید
ششاه دیگر را ایجاب می نماید؟ بنظر بنده تحقیقات در
اینه موضوع از دو جهت ضروری است: اول اینکه معلوم شود رفتار
دولت بر طبق ماده واحده مصوبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ بوده
یا نه؟ و بعد قوانینی که وضع شده مفید است یا نیست؟
تا هر تصمیمی که اتخاذ میشود از روی اطلاع باشد.
بموجب ماده مزبوره که میگوید: «وزیر فعلی عدلیه
مجاز است بوسیله کمیسیونهای مرکب از اشخاص بصیر
موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و
استخدام عدلیه تهیه و بموقع اجراء بگذارد تا پس از
آزمایش بمدت شش ماه در عمل به مجلس شورای ملی
پیشنهاد نماید» هر عملی که در عدلیه شده باید مطابق
قوانین تشکیلات و استخدام قضات باشد تا اینکه بمورد
آزمایش در آمده موقعی که قوانین مزبور به مجلس پیشنهاد
میشوند نواقصشان اصلاح شود چون بنده از جریان
عدلیه بی اطلاع نسبت به تشکیلات عرض نمیکنم ولی
ماده اول قانون استخدام قضات را که میخواهم و از
اینقرار است: «پس از تشکیلاتی که وزیر عدلیه بموجب
اختیارات حاصله از ماده واحده مصوبه ۲۷ بهمن ماه
۱۳۰۵ میدهد احدی را نمیتوان به خدمت قضائی و پارکه
وراست دفتر محاکم پذیرفت مگر اینکه دارای شرایط ذیل باشند»
بنده میدانم که ماده مزبوره اجرا شده است یا نه؟

باشد بنده يك مثال كه علماء علم حقوق غالباً ذكر نموده اند خدمت آقایان عرض میکنم و آن این است كه سال ۱۸۷۵ میلادی ملكت فرانسه قانون اساسی خود را تجدید نظر كرد نظریاتی سبب شد كه از ۳۰۰ نفر اعضاء مجلس سنا ۷۵ نفر عضویشان مادام العمر و دائمی باشد.

مرتبۀ اول این عده را خود مجلس مؤسسان انتخاب نمود و برای بعد بمجلس سنا حق داد كه هر يك از آنها كه فوت نمود عضو دائمی دیگر انتخاب نماید ده سال بیشتر نگذشت كه افكار عمومی نسخ این قانون را كه برخلاف اصول حكومت ملی است لازم دانست قانون مزبور نسخ شد بدون اینکه بمحقوق مكتسبه اعضاء دائمی مجلس سنا كه تا چند سال قبل هم یکی دوسه نفر از آنها بود خلل رساند همین ابراد وارد است در موضوع موادی كه راجع است بوكلائی عدلیه زیرا قانون تشكيلات وكلائی عدلیه را سه قسم تعیین نموده .

(۱) وكلائی رسمی (۲) وكلائی موقت (۳) وكلائی اتفاقی - وكلائی رسمی آنهاست كه دیپلم مدرسه حقوق داشته باشند -

وكلائی موقت کسانی هستند كه در مركز و ولايات بتوسط كمیسیونهای خاصی كه در قانون پیش بینی شده انتخاب شوند .

وكلائی اتفاقی هم آنها هستند كه شغلشان وكالت نیست و فقط در سال سه مرتبۀ می توانند وكالت نمایند

برطبق ماده ۱۲۷ قانون تشكيلات وكلائی موقت هر سال يك مرتبۀ انتخاب می شوند در ولايات رئیس محكمه استیناف پنج نفر از معتمدین محل را دعوت میکند كه با خود او يك كمیسیون شش نفری تشكيل داده وكلائی موقت را انتخاب نمایند و در مركز هم وزارت عدلیه كمیسیونی مركب از شش نفر تعیین میکند كه از بین اشخاصيكه دارای شغل وكالت بوده اند کسانی را كه دارای اطلاعات كافی و صحت عمل

اگر استخدام قضاة و اعضاء باركه و دفاتر محاكم برطبق قانون استخدام صورت گرفته جله : پس از تشكيلاتی كه وزیر عدلیه میدهد احدی را نمی توان پذیرفت مگر این كه واجد شرایط مندرجۀ در ماده اول باشد مورد پیدا نمی كرد. و اگر قانون اجرا نشده یعنی اوصاف مدعویین بر طبق قانون استخدام جدید نیست چه شده قانونی كه برای اصلاحات وضع شده اجرا نموده اند. آيا اشخاصی (صدای زنك نایب رئیس)

نایب رئیس - آقای دكتر ماده ۶۳ را هم رعایت كنید .

دكتر مصدق - بنده عرض كردم توضیحات باید متناسب با موضوع باشد .

بعضی از نمایندگان - بگذارید صحبتشانرا بكنند .

نایب رئیس - نظامنامه مانع است ولی حالا كه مجلس اجازه میدهد بفرمائید .

دكتر مصدق - آيا اشخاصی بشرایط معینه در ماده اول یافت نمی شد ؟ و با اینکه مقتضیات اینطور ايجاب می نمود كه اعضاء قدیم بدون محاكمه خارج شوند و اشخاص دیگری قائم مقام آنها كردند .

از همه غریب تر ماده دوم است كه می گوید : « اشخاصی كه قبل از انحلال عدلیه مستخدم یا منتظر خدمت عدلیه بوده در تشكيلاتی كه بموجب اختیاراتی حاصله از ماده واحده ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ داده میشود از طرف وزیر عدلیه دعوت بشغلی نشوند اعم از اینکه سابقاً امتحان داده یا از امتحان معاف بوده اند در آتیۀ نمی توانند بخدمت قضائی و باركه پذیرفته شوند مگر با دادن امتحان مطابق پروگرامی كه وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود - كه این ماده بر خلاف اصل قانون گذاری است زیرا حقی را كه اشخاص بر طبق قوانین سابق تحصیل نموده اند حقوق مكتسبه گویند و هیچ قانون گذاری منكر حقوق مكتسبه نمیشود و این حقوق را وقتی میتوان از کسی سلب كرد كه در نتیجه محاكمه

تشخیص میدهند با كثریت و بارائی مخفی برای وكالت رسمی باموقت انتخاب نمایند

اعتراضات بنده در این ماده این است : اولاً بدون محاكمه و محكومیت حق هیچكس را نمیتوان ساقط كرد خصوصاً اینکه اسقاط حق بواسطه رأي مخفی و رأي دهندگان خودشان داوطلب وكالت باشند ثانیاً همانطور كه مقام قاضی تأمین است و هیچ وزیری نباید او را منفصل كند و یا بدون رضایت شغل او را تغییر دهد همانطور هم مقام وكيل باید ثابت باشد تا اینکه بتواند از قضات متخلف شكایت نموده حقوق موكلین را حفظ نماید و كلی را كه هر سال يك مرتبۀ كمیسیون و در حقیقت رئیس استیناف انتخاب كرد منززل است و تحت نفوذ واقع میشود لذا قادر نیست كه شكایت نماید. ثالثاً در آخر هر سال كه رأي مخفی باعده از وكلا مساعدت نكرد باید موكلین كار های خود را اصفه كاره و نا تمام از وكلائی منفصل گرفته تحویل وكلائی منصوب نمایند .

از اینها غریب تر ماده ششم قانون استخدام قضات است كه میگوید : اشخاصی كه بموجب اختیارات حاصله از ماده واحده مورخه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ در تشكيلات جدید عدلیه دعوت شده و قبول خدمت نمایند (اعم از اینکه خدمتی داشته باشند یا خیر) دارای رتبۀ خواهند بود كه در حكم آنها نوشته شده باشد و از كلیه حقوق كه قانون برای مستخدمین دولت منظور داشته استفاده نمایند كه بنده تصور میکنم این ماده مخالف هر گونه اصلاح است و از تبصره ماده واحده ۲۷ بهمن ماه كاملاً سوء استفاده شده است زیرا مقصود قانون كذار این نبود كه اشخاص بی سابقه وارد ادارات شوند و بدون طی مراحل اداری و تحصیل تجربیه و اطلاعات سیر برقی نموده درجات عالیۀ قانون استخدام را حائز گردند بلکه مقصود این بوده است كه وزیر عدلیه از اعضاء سایر ادارات كه در عدلیه مفیدند با رتبۀ های خودشان دعوت نماید و از اشخاص تحصیل کرده هم كه

سابقه ندارند تشویق شده بجای اینکه عضو مبتدی باشند درجات ابتدائی قانون استخدام را حائز گردند این طریقی كه تبصره اجراء شده تنها نه باعث خرابی است زیرا تا اشخاص درجات ابتدائی قانون استخدام را طی نكنند در درجات عالیۀ نمیتوانند مفید باشند بلکه باعث یاس آنهاست است كه سالها خدمت میکنند و هنوز در درجات ابتدائی قانون استخدامند بعلاوه بنده شنیده ام كه باستناد این ماده جمعی دعوت و در احكام صادره درجاتشان معلوم و انتظار دارند كه بعدها وارد عدلیه شوند حالا مفهوم این ماده همین است. با نیست عرض میکنم ولی این را باید گفت كه اگر مدعویین سابقه ندارند معلوم میشود ضرورت ندارد والا پس از صدور حكم بلا فاصله باید وارد شوند چنانچه سابقه دارند و رتبۀ هائی فوق رتبۀ های خودشان بانها داده شده کدام عدل و انصاف حكم می كند كه سوابق يك عده با موقع رتبۀ های زیاد حفظ شود و عده دیگر بفضب آقای وزیر مبتلا و حتی از عضویت هم خارج كردند آيا معنی اصلاح همین است ؟

يك ماده دیگری هم كه از منطق دور است ماده ۴۴ قانون استخدام است كه میگوید : قضات و صاحب منصبان باركه های هیچ حوزه باستثنای مركز و حوزه های صلحیه نباید از اهالی آن حوزه باشند » كه اگر دلیل آن را میفرمودند اسباب تشكر بود .

این است اعتراضات بنده نسبت بچند ماده كه عرض شد و چون سایر مواد تا آزمایش نشود عامه عیب آنها را نمیدانند نسبت بانها عرضی نمیکنم و یقین دارم كه هر بنائمی كه خشت اول آن كج گذارده شد بهمان حال میباشد . مجلس شورای ملی يك اختیاراتی باقای وزیر عدلیه داد خوب بود اول يك را برنی از عملیات چهار ماهه ، از انتخاب اشخاص و حقوقيكه ناكنون نصیب شده بمجلس میدادند و بعد بادلایل موجهه درخواست تمدید اختیارات می نمودند وزیر عدلیه - بنده گاهی فكر میکنم كه اگر تمام

اشخاصی که میلشان این است باینکه نفر ایرانی بطوریکه آقای دکتر مصدق فرمودند مساعدت بکنند و کار بکنند واقعاً کار آن کسی که میخواهد کار بکند خیلی خوب میشود ولی خوب این هم بیک نظری است. ایشان در بیک جلسه که بنده نبودم قبل از دستور و حالا هم در ضمن این پیشنهاد بیک فرمایشاتی فرمودند که بنده دو قسمت میکنم بیک قسمت درست داخل در موضوعی که الان مطرح است بود. که اظهار میکردند اختیار قانون گذاری از طرف مجلس بیک شخصی داده میشود و داخل آن شدند بیک قسمت هم بنده خیال میکنم وقت مذاکره اش در آن موقعی است که آن مواد و تشکیلات به مجلس بیاید و در این جا مطرح شود وبعد از ششماه اگر اعتراض دارند باید بگویند. و الا در وسط ششماه نباید بحث شود. ولی با وجود اینکه این مسئله موقعش حالا نیست و نباید بنده وارد در قضیه شوم عرض میکنم اینکه بنده برروز و درروز خیلی مایل بودم همه صحبت ها بشود. برای این است که وقتی این جا بیک صحبتی میشود و بنده هم این جا میتوانم حرفهایم را بزنم و بالاخره آن مردمی که صحبت آقای دکتر مصدق را می شنوند صحبت بنده را هم بشنوند لیکن اگر بنا باشد این جا گفته نشود بعضیها چنین تصور میکنند آقای دکتر مصدق در مجلس میخواهد چه مسائل بزرگی را بگوید و نگذاردند و این خیلی بد میشد و باید اظهارات طرفین درست شنیده شود. بعد قضاوت شود. عرض میکنم بیک مسئله ایست که مخصوصاً بنده توجه آقایان را بطرف آن جلب میکنم و آن مسئله ایست که در اول اشاره کردم. اختیار قانون گذاری را آقای دکتر مصدق میفرمایند و بعضی از مواد قانون اساسی را هم خواندند و اگر هم نخوانده بودند باز ما یادمان بود بجهت اینکه این اندازه ها یادمان هست، حالا که مسئله ۱۸۷۵ فرانسه یادمان نباشد ولیکن دیگر قانون اساسی خودمان یادمان است میفرمایند که بموجب قانون اساسی حق قانون گذاری با مجلس است بنده گمان میکنم این مسئله اصلاً موضوع

بحث نیست، مجلس شورای ملی هم نمیتواند این حقشرا بکسی واگذار کند. بنده عرض میکنم که نمیتواند و (نمیتواند) را هم خیلی قرص باید گفت زیرا اگر فرضاً هم آمدن کار را کرد نازه ترتیب آر بآن داده نمیشود، بجهت اینکه نمیتوانسته است انتقال بدهد و فرضاً هم بیک رایی بدهد آن رأی به چه وجه نمیتواند صورت قانونی داشته باشد. اما بنده در این صحبت میکنم که آیا این کاری که شده است این اختیار قانون گذاری دادن است؟ اگر این باشد بنده هم باشما موافقم و هیچ حرفی ندارم. مسئله این است که قانون چه چیز است؟ قانون اساسی ایران تعریف کرده که بیک موادی باید بیاید در این مجلس علنی و باحضور بکعبه از آقایان که بحد نصاب باشد باین ترتیب معینی در شور باینک رسوم و آدابی بگذرد. هر کدام از این تشریفات و آداب و رسوم عمل نشود آن قانون نیست، حالا اگر همه آقایان حاضر بعلاوه آقایانی که امروز حاضر نیستند تشریف ببرند در خارج و در منزل یکی از آقایان و کلاً به نشینند و در بیک مسئله هم باتفاق بدون تماشاچی و بدون ترتیبات مجلس خیلی خودمانی بیک قضیه رأی بدهند، آقای دکتر مصدق: بنده از جنابعالی میپرسم این قانون میشود؟ ...

بعضی از نمایندگان - خیر نمیشود.

وزیر عدلیه - پس هیچ فرق نمیکند قانون همان است که در این مجلس بگذرد. عرض میکنم که در این جا بیک رویه مدنی است در مجلس شورای ملی از چند دوره قبل ایجاد شده و آن این است که لوایحی را که دولت می آورد قبل از اینکه مجلس رأی بدهد اجازه میدهد که در فلان کمیسیون یا فلان محل رسیدگی شود و بالاخره رأی میدهد و بدولت میگوید که این پیشنهادتان را بکفدری در ضمن عمل تجربه کنید، این جنبه اصولی مسئله است. حالا هم اگر این نظر را بخواهیم اتخاذ کنیم از نقطه نظر علمی آقای دکتر مصدق باید این فکر را بکنند که ما وقتی این جا حرف میزنیم همه اش نباید این فکر را بکنیم که اشخاصی

که اهل فن نیستند در خارج خوششان بیاید یا بدشان بیاید، باید فکر اینرا هم بکنیم که وقتی آدم اسمش دکتر مصدق شد و آمد این جا بیک مذاکره کرد بیک چهار نفر آدم مطلع هم که در خارج می نشینند از نقطه نظر علمی مسئله را صحیح بدانند. آن چیزی را هم که میفرمایند اگر در این جا باشد باز بیک قسمت از قانون است و گمان میکنم بیک چیزی است که از آقا خیلی پذیرفته نیست که این نظر را داشته باشد ...

دکتر مصدق - تفکیک است

وزیر عدلیه - اینجا گفته میشود: آیا خواست بیک لوایحی را دولت همینطور بدون اینکه در عمل گذاشته شود بردارد بیاورد باز چه کند باخبر خودش ترتیب بدهد و بیاورد بمجلس یا اینکه خوب است قبلاً بیک بحث هائی درش بشود و مخصوصاً در عمل بیک امتحانانی بشود؟ مملکت ایران مدنی است که این رویه را اتخاذ کرده و بنده هم بسهم خودم صرف نظر از قضیه عدلیه عرض میکنم بشرط اینکه درش افراط نشود این ترتیب بد نیست. برای اینکه ما مسائلمان بطوری که بایستی حلایمی بشود نمیشود و منحصرأ عمل میبایستی تشخیص بدهد که این لوایح خوبست یا نه، پس بنا بر این بنده عقیدهام این است که مجلس شورای ملی نه حق انتقال حق قانون گذاری خودش را به کسی دارد و نه اینکه نا بحال این کار را کرده است و نه در این موردی هم که رأی داده است این تعبیر را میشود کرد. مجلس روی همان رویه و نظریه که الان عرض کردم آمده است بیک اختیاری داده است یعنی خواسته است بیک نظر مساعدی بیک شخصی نشان بدهد و آمده است گفته است که من بتو اختیار میدهم و تو برو بیک موادی را تهیه بکن و آنها را هم آزمایش بکن ششماه هم حرف نمیزنم و پس از شش ماه نتیجه عملی را به مجلس بیاور. مسئله این بوده است و بنده اینرا ابدأ مخالف قانون اساسی نمیدانم و نا بحال چندین مرتبه مجلس این کار را کرده است، دفعه آخرش هم همین است که راجع به موضوع عدلیه

کرد. حالا اگر آقایان اکثریت و کلاً میفرمایند که حقیقه راستش این است که ما این مسئله را بلد نبودیم و آقای دکتر مصدق این مسئله را حلایمی کردند و با تاریخ و مواد فرانسه آمدند اینجا به ما گفتند و ما یاد گرفتیم و گفتند من که بیک آدم حقوق دانی هستم میگویم که ای اکثریت مجلس شما آن کاری را که کرده اید بر خلاف قانون اساسی بوده و فهمیده اید، اگر اینطور است البته مجلس شورای ملی خودش میداند ولی بنده شخصاً عقیده خودم را عرض میکنم و گمان نمیکم بر خلاف قانون اساسی باشد. بیک نکته دیگری را آقا در ضمن مذاکراتشان فرمودند نمیدانم این را بعد از روز پنجشنبه در نطق خودشان اضافه کردند یا روز پنجشنبه هم بود چون آقای مدرس بیک فرمایشی فرمودند که خیلی شبیه به این بود و شاید این از روی آن باشد: ابقای مقام ... مدرس - بنده هیچوقت در مقابل هو اظهار عقیده نمیکم.

وزیر عدلیه - نمیدانم. رویه مرفته واقعاً این حرف خیلی خوب است که تا کسی می آید بیک کاری بکند بگویند تو میخواهی دوام بکنی. صرف نظر از اینکه هیچ اعتراضی بر هیچکس نمی شود کرد که سعی کند بمقام خودش باقی بماند اگر هم بیک کسی است که نظر خصوصی دارد اگر هم خواسته است بیک کاری بکند باید دوام داشته باشد و بالاخره این کار دوام لازم دارد. آقا که تصدیق میفرمایند عدلیه هر جائی (حالا عدلیه خودمان نه) که این کار را بخواهند درش کرده باشند اینها چیزی نیست که در فاصله دو ماه و سه ماه و چهار ماه بشود کرد. بنده که بیک معجزه برای خودم قائل نشده بودم و آقایان هم هیچوقت این توقع را نداشتند پس این نشد که نامن بیک مسئله بگویم بگویند میخواهی دوام کنی! خیر بنده نا آن قدری که آقایان مساعدت بفرمایند و اوقاتشان تلخ نشود ...

مدرس - ما هیچ مساعدت نیستیم.

وزیر عدلیه - نا آن اندازه که اثربت میل داشته باشند مبنایم والبته هر وقت که بنده احساس کردم که دیگر میل ندارند بدون اینکه هیچ با هم کشمکش داشته باشیم میروم بی کارم ...

مدرس - هیچوقت نداشتند.

وزیر عدلیه - و البته آقایان هم نظریات عالی و فکر های خوب و عقاید صحیح و خدماتی که تا بحال بمملکت کرده اید بعد از این هم خواهید کرد. اما راجع باینکه موافق آن ماده عمل شده بانه: البته باید در آن موقع صحبتش را کرد آقا برداشتند يك موادی را ذکر کردند و آنها را خواندند که با اینکه حالا موقع نیست بنده در بحثش وارد شوم ولی معهدا چون گفته شد باید جواب عرض کنم میفرمائید اشخاص را در ماده اول نوشته است که در آئیه هر کس داخل تشکیلات عدلیه میشود باید دارای فلان شرایط باشد. بنده برای تشکیل عدلیه مجبور بودم يك ترتیبی را برای امروز در نظر بگیرم و يك ترتیبی را هم برای آئیه یعنی ده سال پانزده سال بعد که بالاخره روز بروز البته مملکت ما دارای اشخاص با اطلاع بیشتر میشود و آن راجع به آئیه مملکت است اما امروز آمدم يك اشخاصی را بنا بر اختیاری که مجلس داد درش هم بحث شد، صحبت شد، اعم از اینکه سابقه داشته یا نداشته تصریح شد که يك اشخاصی را استخدام کنم. بعد هم فکر کنیم که برای آئیه ما کاری بکنیم که در بروی اشخاص بسته باشد مگر کسانی که از توی يك مدرسه بیرون آمده باشند و دارای معلومات معینی باشند. در اینجا اشاره کردند باینکه اعضای قدیم بدون محاکمه خارج شده اند آقا تمام بحث جنابعالی و بنده که بطور خصوصی صحبت کردم سر همین مسئله بود. اینکه میفرمائید من عقاید شما را نشنیدم سر همین قضیه بود. شما عقیده آن این بود که باید يك محکمه درست کرد و اشخاص را محاکمه کرد و با محاکمه بیرون کرد بنده بجنابعالی عرض کردم باز هم عرض میکنم که این ترتیب عملی نبود و نتیجه خوب

هم نمیداد دلایلش را میگویم. اولاً وقتی يك اشخاصی سرکار نشسته اند و تمام وسائل کار و تمام نفوذها را دارند خیلی مشکل است از برای يك قضائی که بخواهند يك کاری را بکنند طوری بکنند که از دوسیه معلوم شود ...

دکتر مصدق - حالا هم ممکن است همین کار را بکنند.

وزیر عدلیه - اجازه بدهید. بنده که در بین فرمایشات شما عرضی نکردم. جنابعالی چرا عصبانی میشوید. حالا آمدم فرضاً بنده میخواستم این کار را بکنم از کجا میتوانستم پیدا کنم اشخاصی را که بیابند که هم کسانی باشند که در باره آنها هیچ صحبتی نشود که هر رأیی که دادند آن رأی قاطع باشد جلو حرف مردم را که نمیشود گرفت. باید طوری باشد که هم خودشان حاضر باشند برای این کار و هم يك اشخاص قابل توجهی باشند بنده امروز عرض کردم حالا هم میخواهید اشاره کنم که آن اشخاص کی ها بودند. آقا شما خودتان حاضر نشدید بدلیل اینکه امروز هم عرض میکنم برای تشکیلات ولایات بیائید و بنده حاضر هستم آنچه را که تشخیص دادید شما و آقای مدرس و دو نفر دیگر راجع با اشخاص هر کسی را گفتید خوب نیست باید کنار گذاشت آنها را نمی آورم و هر کس را گفتید خوب است قبول میکنم معهدا حاضر نمیشوید ...

دکتر مصدق - اساس غلط است.

وزیر عدلیه - گفتگو سر اساس نیست. گفتگو سر این است که ما همه منتظر هستیم که يك کسی يك کاری را بکند بعد از اینکه کرد برویم اعتراض کنیم. این درد بی درمان این مملکت است و نا این فکر را نکشیم ممکن نیست مملکت ترقی بکند (بعضی از نمایندگان صحیح است) در این جا هر کس ملاحظه می کنند که من در خانه ام نشسته ام چرا بیایم يك کاری بکنم که پنجاه نفر صد نفر، دو بیست نفر با من مخالف بشوند

خوب حالا اگر ده هزار نفر باشند باید مثل من بکفدری دیوانه مزاج باشد که داخل بشود. عقلاً که این کار را نمیکنند پس بنا بر این اگر میخواستیم نتیجه بگیریم امکان نداشت از آن راهی که شما سیر میکنید وارد شویم اگر عدلیه را منحل کردیم برای این بود که غیر از این طریق نمیتوانستیم يك کاری بکنیم شما حالا میآئید این قضیه را از سر میگیرید که بدون محاکمه اعضاء را خارج کرده اید. و حالا يك چیزی را هم عرض کنم که در ضمن مذاکره فرمودید که از جریان فعلی عدلیه اطلاعی ندارم سابقاً هم البته خیلی در جریانش نبودید بنده بشما اطمینان میدهم، قول میدهم، اشخاصی در عدلیه بودند مخصوصاً در مرکز (در ولایات يك صورت دیگری داشت) ولی در مرکز اگر هزار کار هم که شما خبر دارید میرفتید توی دوسیه هاشان نگاه کنید هیچ آری از آنها نبود دوسیه ها باک و درست ...

دکتر مصدق - حالا هم باک میشود

وزیر عدلیه - اجازه بدهید آقا. اجازه بدهید با این است که بنده باز بر میگردم البته بنده مخالف نیستم شما مخالف هستید باشید بنده حرفی ندارم از اینکه يك نفر ده نفر بیست نفر مخالف باشند بنده عرض میکنم تا آرزوی که بنده اکثریت داشته باشم کار میکنم و البته مخالف بنده هر چه میخواهد بگوید ربطی بموضوع ندارد جنابعالی قضاوتتان برای بنده يك قضاوت قطعی نمیتواند باشد بنده بشما عقیده دارم دلیل بر این نیست که هر نظری دارید من قبول کنم این دلیل نمیشود. عرض کردم جنابعالی تشریف بیاورید رئیس تمیز بشوید خوب است ولی عقیده نداشتیم که جنابعالی بیائید يك همچو کاری را بکنید زیرا يك آدمی هستید خیلی عصبانی وسط کار هم اوقاتتان تلخ میشود بنده این حال را ندارم مرا باید کشت! اما برای ریاست تمیز چنانکه تقاضا کردم باز هم تقاضا میکنم پس تعیین اشخاص برای کارهای معینی است بنده اگر در آن قضیه بشما عقیده داشتم دلیل بر این نیست که هر چه

بگوئید گوش کنم آن رویه را بنده مصاحبت ندانستم قبول کنم ولی این را که میفرمائید اشخاصی را بدون سابقه آورده اید. مقصود از آن ماده هم این نبود که بنده يك اشخاصی سابقه را بیآورم از رتبه يك آنجا شروع کنم اگر مقصود همچو چیزی بوده است که بنده و مجلس و اکثریت يك اشتباه عظیمی کرده ایم که خوب شد آقا رسیدید و ما را از اشتباه بیرون آوردید. خوب حالا فایده اینکار چه بود؟ اگر ما يك اشخاصی را خواستیم برای مقامات مهمی بیآوریم از نقطه نظر این بود که در آنجا ها آدم لازم داشتیم. آنوقت بنده يك کسی را که بعقیده ام خوب بود باید بگویم جنابعالی بیائید ثبات بشوید بعد ترقی خواهید کرد به رتبه دو سه؟ آیا واقعاً مقصود این بود؟ چه فرمایشی است آقا؟! اما راجع بولکلای عدلیه مسئله ولکلای عدلیه در غیاب بنده یکی دو مرتبه صحبت شده. آقای فیروز آبادی هم تقریباً بکفدری علمدار این فکر بوده اند ولیکن بنده از خود آقا میپرسم وکیل در مسائل مربوطه به عدلیه باندازه قاضی اگر اهمیت نداشته باشد و اگر واقعاً طرف توجه نباشد خیال میکنید کار عدلیه پیش میرود؟! در این اصولی که امروز معمول است ولکلای واقعی بالاخره کسانی هستند که نتیجه محاکمه را از روی آن روید و برو سدور نتیجه میگیرند و به ترتیبی که اقامه دلیل میکنند و اسناد میآورند و مذاکره میکنند میتوانند بالاخره قاضی را بيك رانی برسانند. قاضی هر اطلاعی از قضیه داشته باشد و در خارج از دوسیه هر حرفی بزند البته ترتیب اثر بآن نمیدهد. در اینصورت تصدیق بفرمائید که يك چنین اشخاصی چه قدر باید در شان دقت شود. اینجا ما يك ترتیبی داریم وقتی که بنای يك کاری میشود اول هر کدام فرد فرد يك نظری اظهار میکنند بعد هم يك نظر اجتماعی گاهی پیدا میکنیم که غیر از آن نظر است که اغلب مواقع به بنده میگفتند و از ولایات مینوشتند هنوز هم مینویسند که آقا این مسئله ولکلای عدلیه را اهمیت بدهید اما

وقتی که میگوئیم این را عجلاناً میخواهیم در تحت يك انتظامی در بیاوریم از برای این است که امروز فملاً يك فکری بکنیم تا انشاء الله در آتیه مدرسه حقوق ما با يك پروگرام بهتر و کاملتری شاگرد بیرون بدهد و در این مملکت عدّه اشخاصی که حقوق میدانند و تحصیل حقوق کرده اند زیاد بشود و در آتیه این کار منحصر بآنها بشود ولی برای اینکه از حالا تا آن روزی که مدرسه حقوق يك مقدار کافی شاگرد داشته باشد چکار باید کرد؟ حالا ما میآئیم يك ترتیبی درست میکنیم و میگوئیم درپ را از امروز بعد ببندیم و میگوئیم خوب از آروز تا بحال هر چه شده بسیار خوب این آقایان هم که آمده اند سرکار بيك ترتیبی نظر بسوابقشان بگذاریم کار بکنند بعد در آتیه منحصر شود باشخاص تحصیل کرده . بعد جنابعالی میآئید میفرمائید که اگر وکلارا بخواید انتخاب کنید و خود وکلا هم در آنجا نظر داشته باشند اعمال غرض میشود . ممکن است . خیلی هم ممکن است ولی ایشان وقتی میخواهند مسائل را حل کنند نباید بعضی مواردش را نگاه کنند بطور کلی بایستی نگاه کرد که آیا بایستی این درپ را باز گذاشت که هر کس میخواهد بیاید وکالت کند؟ اگر آقا وقت داشته باشید بنشینید بنده دلم میخواهد بگذردی صرف وقت بکنید و به بینید که در همین عدلیه (حالا ولایات را کنار بگذاریم که بگذردی خراب شده است) در همین مرکز کار چقدر اشخاص بواسطه عدم اطلاع وکیل خراب شده است بواسطه این بوده است که وکیل سند را برده بطرف داده . بواسطه این بوده است که با هم نبتانی کرده اند . . .

دکتر مصدق - محاکمه کنند .
وزیر عدلیه - اینها يك مسائل کوچکی نیست و مسائلی نیست که بقدری ریز و خورد باشد که شما متوجه نباشید باید چشم را باز کرد و دید ، حالا وقتی که خواستیم این کار را بکنیم این البته برخلاف مصالح يك

عده ایست و آنها يك کارهائی میکنند ، يك گفتگو هائی میکنند ، جنابعالی هم يك چیزی را میشنوید و آن چیزی را هم که شنیده اید يك چیز ثبت شده میدانید و میآئید اینجا میگوئید ، عرض میکنم در تمام مسائلی که میفرمائید راجع بوکلای عدلیه بر فرض که به قول شما بعضی هاشان هم يك اعمال غرضی نسبت به بعضی ها بکنند بنده این را نمیتوانم تصدیق نکنم اما اگر يك اشتباهی شده باشد خیلی کم است باید راه حل پیدا کرد و ترتیبی کرد که اگر کسی شکایتی داشته باشد يك مرجعی برایش باشد که برود بان مرجع حرفش را بزند اما این غیر از آن است که شما میگوئید آیا برای اینکه وکیل رسمیت داشته باشد چه باید کرد؟ باید جلوش را ول کرد ؟ . . .

دکتر مصدق - محاکمه .
وزیر عدلیه - می فرمائید محاکمه . آقا : مسئله محاکمه که شما میفرمائید کار سهل و ساده نیست . بسا میشود شما اطمینان دارید ، قطع دارید ، بقیه دارید این قاضی يك کسی است که در فلان قضیه و فلان مورد و فلان محاکمه پول گرفته است ولی نمیتوانید این را ثابت کنید باز میفرمائید محاکمه . باز بالاخره این دو رویه است یکی رویه با محاکمه که بدبختانه آنوقتی که مالیه تشریف آوردید فرصت ندادند به بینند چه میکنید . حالا هم به من فرصت ندهید که يك روزی بنده هم مثل شما بتوانم بگویم ، خواستم بکنم نگذاشتید ، عرض کنم در هر حال بنده تصور میکنم که چون ایشان پیشنهادشان را زیاد توضیح دادند بنده هم بگذردی زیاد حرف میزنم . . .

دکتر مصدق - تشکر میکنم .
وزیر عدلیه - خلاصه این شد که اختیار قانون گذاری را مجلس نه به بنده میخواهد بدهد و نه با بحال کسی داده است . گفتگو این است که لوایحی را باید در عمل گذاشت و امتحان کرد یا نه ؟ اگر غیر از این باشد آقا کار بنده پیش نمی رود حالا شما طور دیگر تصور میکنید خودتان میدانید ، بنده عرض میکنم يك کسی را که شما میگوئید به او

مساعدت میکنید ، مساعدت این نیست که فکر خودتارا باو تحمیل کنید باید بگذارید تا آخر آن شخص فکر خودش را اجرا کند . اگر در هر قدم شما يك نقشه جلوی پایش بگذارید فکر او عملی نمیشود .

بنده اینطور صلاح میدانم از برای اینکه کار زودتر بگذرد باید در یکی از کمیسیونها که تعجب میکنم خود آقایان عضوش بودند . . .
دکتر مصدق - بنده قبول نکردم .
وزیر عدلیه - اگر قبول نکردید چرا تشریف آوردید آنجائی که برخلاف قانون اساسی کار میکنند ؟ . . .

دکتر مصدق - بنده قبول نکردم از آقای مشیرالدوله تحقیق کنید . فقط آمدم آنجا حرف بزنم (خنده نمایندگان)

وزیر عدلیه - بنده خیلی اسباب تأسف يك مملکت میدانم که بيك نفر شخص محترمی از يك وزارتخانه بنویسند که آقا : در يك کمیسیونی برای يك کار معینی دعوت می شوید تشریف بیاورید ، آقا وقت خودشان را تلف میکنند می آیند آنجا آنوقت در يك مجلس رسمی میگویند که من آمدم آنجا حرف بزنم . . .
دکتر مصدق - برای اینکه بمجلس پیشنهاد شود .

وزیر عدلیه - خیر آقا همچو قراری نداشتیم . بلی قرار بود آن مواد را بمجلس پیشنهاد بکنیم . اما کی ؟ بعد از ششاه ، حالا هم میگویم قرار است ولی بعد از آنکه بموقع آزمایش و عمل گذاریم آنوقت بمجلس میآوریم و مجلس هم در اینخصوص قضاوت میکند .

نایب رئیس - رأی میگیریم . . .
بکنفر از نمایندگان - دومیته قرائت شود .
(پیشنهاد آقای دکتر مصدق بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که اختار قانون گذاری که وظیفه مجلس است از اختیارات موضوع شود .

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد . . .
بعضی از نمایندگان (با همهمه) - نمی شود رأی گرفت .

نایب رئیس - در نظامنامه مانعی نیست که نشود باین پیشنهاد رأی گرفت . آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده موافق اصول پارلمانی این پیشنهاد قابل آن نیست که اصلاً موضوع رأی واقع شود زیرا مجلس شورای ملی اختیاری قبلاً به وزیر عدلیه دائر به اینکه وضع قانونی بکند نداده است ، یعنی وظیفه مجلس شورای ملی را انجام بکند یا اینکه حق قانون گذاری به وزیر عدلیه منتقل شده باشد . مجلس چنین لایحه را تصویب نکرده است بلکه تصویب کرده است که مصوبات يك کمیسیونی را که بمنزله يك لایحه قانونی قابل پیشنهاد به مجلس است برای اینکه در آزمایش نواقض رفع شود موقتاً به موقع اجرا بگذارد و این را نمی توان عنوان انتقال حق قانون گذاری داد . بنا بر این نمی شود در این پیشنهاد رأی گرفت

نایب رئیس - آقای عراقی
عراقی - بنده هم همین را میخواستم عرض کنم

نایب رئیس - موافقت آقا ؟
عراقی - موافقم باصحب آقای شریعت زاده .
بعضی از نمایندگان - در این موضوع میشود صحبت کرد .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بهار قرائت میشود .
(بمضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده واحده بطریق ذیل تبدیل شود .
ماده واحده - مجلس بوزیر عدلیه اختیار میدهد که در مدت چهار ماه باشور کمیسیونی مرکب از پنج نفر که در مجلس انتخاب خواهد شد تشکیلات مرکز را تحت تجدید نظر قرار داده و تشکیل ولایات را نیز خانم دهند .

نایب رئیس - آقای بهار
بهار - بنده یاد داشتهای مفصلی تهیه دیده بودم راجع به اشتباهاتی که در تشکیلات جدید عدلیه شده است ولی

بعد از آنکه محسوس شد که آقای وزیر محترم عدلیه در مقابل اعتراضات ارقمى با اعتراضات منطقی با بالاخره اعتراضات حقوقی بشوخی جواب میدهند و بمنظرات شخصی شبیه می کنند مدافعات عمومی و کلی را لذا بنده یاد داشته‌های خودم را برای اظهار نیاوردنم و درجیب خودم پنهان کردم. خیلی متأسفم از اینکه غالب مسائلی که اینها جزو اصول مسلمه هیئت اجتماعی مشروطیت بوده است بتدریج در نتیجه احساسات شخصی دارد پامال میشود از آن جمله يك اصل مسلمی است که هیچوقت وزیر نباید با بيك وکیل خواه در جزء اکثریت باشد خواه در عداد اقلیت طرفیت شخصی بکنند و بالاخره آن تعارضاتی که حق داده اند و کلاً با هم بکنند وزیر عهده دار آن قبیل تعارضات بشود این هیچ سابقه نداشته است. این از اخلاق پارلمانی هم دور است. بنده باقای داور فوق العاده ارادت دارم، اخلاص دارم، همیشه هم با ایشان دوست بوده‌ام ولی بی اندازه در جلسه گذشته و این جلسه متأثر شدم که ایشان سمت مهمی را که سمت وزارت است و باید بالاخره مخلوط با متانت باشد از دست میدهند و مثل يك نفر وکیل مدافع عصبانی طرف میشوند منتهمی بجای اینکه با يك قیافه عصبانی طرف بشوند با يك قیافه مضحک طرف میشوند با کلاً و این فوق العاده اسباب تأسف است باید ایشان جوابهایشان متین و در روی آن موضوعاتی باشد که با ایشان اعتراض شده است. اگر هم باید حملاتی کرد یا مغالطه کرد یا بالاخره بیانات مضحکه آمیزی کرد باید بعقیده بنده بعهده مدافعین ایشان واگذار شود باز بر عکس می بینم مدافعین ایشان خیلی با متانت صحبت می کنند و خودشان در مدافعات داخل در شخصیات میشوند لهذا بنده یاد داشته‌هایم را که يك قسمتش را آقای دکتر مصدق فرمودند و بیش از آنها بنده یاد داشت داشتم که من باب تذکر می خواهم با آقای وزیر عدلیه و هوا داران ایشان عرض کنم آنها را از ترس اینکه مبادا به بنده هم از این قبیل تعرضات بشود فعلاً مسکوت عنه

گذاشتم اتفاقاً انحلال عدلیه هم یکی از همان قضایائی است که مقرون با همان تأسف اولیه بنده است زیرا دیده میشود که هر قدر آن عمل مشحون بمصالح و هر قدر منجر با اصلاحات عمده بشود تکافوء با آن يك ضرری که از شکل شروع بکار بضاعت های مشروطیت وارد شده است نخواهد کرد بالاخره يك وزیر که هنوز بمجلس شورای ملی معرفی نشده است و يك مملکتی که انقلاب درش نیست مملکتی که با اصول تکامل و قانون گذاری و اصول متانت دارد راه می رود این وزیر محترم قبل از اینکه بمجلس شورای ملی معرفی بشوند يك دفعه می آیند و يك وزارت خانه را که زندگانی يك ملتی در دست او است بکلی منحل می کنند. شب خواب می بینند و فردا عدلیه را منحل می کنند. در انحلال عدلیه مفاسدی که مترتب میشود آنها را جلوی چشم نمی آورند استقلال قطعی و حتمی قضات را که یکی از امور روشن و بدیهی است و هر طفلی میداند که قاضی نامتکی بيك مبادی ثابتی نباشد نمیتواند قضاوت بکند این استقلال را از بین میبرند. در نتیجه آن انحلال بدوی و بی سابقه قانون استخدام را که پس از سالها گفت و شنود پس از آنکه برخلاف عقیده آقای باسائی جنجال احزاب در این مملکت بجائی رسید که بالاخره کمیته تشکیل دادند و بالاخره اشخاصی را زدند و در نوبت خیابان کشتند برای اینکه بمقامات اداری دخل و تصرف نشود، بعد از این محسوس شدن بدبختی های اخلاقی که در نتیجه نبودن قانون استخدام در این مملکت محسوس شد بعد از آنکه ما می دیدیم که هر سه ماه يك مرتبه يك وزیر می آید و تمام اعوان و انصار و بستگان خودش را داخل در يك وزارتخانه می کند و تمام مستخدمین نجیب باشرف را بیرون میریزد بعد از آنکه دیده شد که مستخدمین ادارات بواسطه عدم استحکام مبانی اداری خودشان متشبه به رذیله و فضیحتی میشوند آمدیم در دوره چهارم يك قالب استخدامی نوشتیم. بالاخره این قانون استخدام

زائیده شده احتیاجات هیجده ساله مشروطیت بود. قانون استخدام برخلاف انحلال عدلیه و سایر قضایائی که یکی دو ماه است دیده میشود از روی احساسات نبود. زائیده شده يك خیالات مخصوصی که مربوط باشد بچهار پنج نفر و نتیجه او هم منجر بشود بمقاصد شخصی نبود بلکه قانون استخدام نتیجه احتیاجات وزائیده شده احتیاجات مبرمه هیجده سال مشروطیت بود و مربوط به تقلید هم نبود زیرا در نوشتن قانون استخدام فوق العاده احتیاجات مملکت و آن حالات اجتماعی مخصوصه مملکتی در نظر گرفته شد و این قانون نوشته شد. اگر این قانون بد بود باید آنرا بیاورند در مجلس اصلاح کنند این انحلال آتقی و این خوانی که وزیر محترم دیدند ضرر دومش قضیه قانون استخدام بود. قانون استخدام را این عمل بیاد داد این عمل قانون استخدام را محو کرد ولو بقول آقای باسائی برای خاطر اینکه در آینده احزاب ایجاد شود و احزاب به طمع استخدام در ادارات دولتی دور هم جمع شوند و احزاب ایجاد شود بنده بیزار هستم از آن احزاب که به طمع نوکری دولت می آیند و دور هم جمع میشوند بر فرض اینکه قانون استخدام مضر هم باشد نباید از این راه قانون را لغو کرد زیرا این انحلال يك مبارزه بود بمجلس چهارم و پنجم و ششم که قانون استخدام را نوشته بودند و آن را به رسمیت قبول کرده بودند. این هم ضرر دوشم بود آقای وزیر عدلیه در ضمن نطقشان می فرمایند که مقصود ما این است که در آئیه درب عدلیه بسته شود و فقط باز باشد بروی محصلین حقوق. بنده از ایشان سؤال می کنم بعد از آنکه ایشان این ضمانت ثابت را یعنی بالاخره استقلال يك وزارتخانه را که وجود داشته است و وزیر داشته است ادارات داشته است این استقلال را از بین بردند از کجا مطمئن هستند ایشان که بر فرض يك عدلیه صحیحی بعقیده خودشان تشکیل بدهند و مملکت هم بعقیده خودشان شروع بکاستان شدن بکنند آنوقت يك وزیر دیگری

نیاید و مثل ایشان يك خواب دیگری نه بیند؟! از کجا مطمئن میشوند که اقل این ضمانتهای اجتماعی و این اصول مسلمه که بالاخره اسباب زندگی و معاشرت و رفت و آمد و قانون گذاری و انتخابات و نوکری دولت و تمام اینهایی که در طرز زندگانی ماها هست این اصول را که امروز دارند یکی یکی بر هم می زنند از روی احساسات از کجا اطمینان دارند. باینکه باقی اصول را در آینده دیگران نیابند و بهم زنند!! بنده ثابت میکنم یکی از اصولی را که انحلال عدلیه باین طریق بهم زده است اصل آزادی بوده است. آزادی فکر و عقیده را هم آقای وزیر عدلیه که باید حامی آزادی فکر و عقیده باشند بهم زدند و کشتند...

شیروانی - اینطور نیست. بهار - قضیه سانسور کردن اظهارات مخالفین و آن جوابهایی را که به آقای دکتر مصدق دادند بالاخره مطلب را معلوم و ثابت میکنند. آقای وزیر عدلیه می فرمایند که چیز غریبی است يك کسی می آید و شروع بيك کاری میکند دیگران می نشینند و تنقید میکنند و این را با يك تعجبی بیان کردند و بالاخره فرمودند تا ما این فکر را نکشیم کارها اصلاح نمیشود. یعنی چه!!...

شیروانی - صحیح است بهار - در مملکت مشروطه و بالاخره در يك مملکتی که می خواهد بر طبق اصول جدید عالم تمدن زندگانی کند، در مملکتی که جنابعالی در هر يك از نطقهای نان ده دفعه بوقلائی که شنشان از شما زیاد تراست حمله میکنید و خود تازا متجدد میخوانید در این مملکت چطور پس باید زندگانی کرد؟! اگر يك کسی وزیر شده باید برونند و وزیر عدلیه بشوند؟ باید به نشینند و ایشان برونند کارشان را بکنند اگر خوب کار کردند آنوقت از ایشان باید حمایت کرد و اگر هم کسی در کارشان اشتباهانی دید باید ایشان بگوید و متذکر بشود. پس چرا این فکر را باید کشت آقای شیروانی؟!...

شیراوی - حالا می‌آیم و عرض میکنم
 بهار - و از بین برد؟ چرا باید مدیران جرابدرا
 رفت و دبد و خواهش کرد که این نطق را چاپ نکنند؟!
 این اصولی است که بالاخره نچدد و تمدن در این مملکت
 آورده است؟! بنده نمیدانم. بالاخره در این قسمت‌ها
 وارد نمیشوم زیرا میل هم ندارم که این قضایا تکرار شود
 خیلی هم بنده با آقای وزیر عدلیه ارادت دارم و فوق العاده
 هم میل دارم که عدلیه مطابق آمال شان اصلاح شود
 اگر نتیجه معکوس حاصل نشود. این پیشنهاد بنده
 بالاخره راجع به پیشرفت کار خود آقای وزیر عدلیه
 است. بنده در این شهر می‌بینم و محسوس شد در آن
 روز اولی که ایشان آن اقدام را کردند چون مربوط
 با احساسات بود و مربوط بیک گفتگوهائی بود که از
 چند سال قبل باین طرف راجع بخزاینی عدلیه پیش آمده
 بود افکار عمومی و جرائد ملی همه با ایشان موافق
 بودند. آن بود که در آن روز سنگینی بار ایشان
 محسوس نشد لیکن امروز دبنده می‌شود همه آقایان
 هم شاید می‌فرمایند که افکار عمومی، افکار عمومی
 که بالاخره قاعده زندگانی همه ماها است و هر قدر هم
 بخواهیم منکر بشویم که چرا افکار عمومی نمی‌فهمند و
 عامی هستند و باید نوبی سرشان زد برعکس باید اقرار
 کرد که افکار عمومی هست و احساسات آنها فوق العاده
 در قضایا مؤثر است و يك شعور مخفی در ملت هست که
 در تمام قضایا قضاوت می‌کند و قضایا را با خون سردی
 تلقی می‌کند در اول هم چیزی نمی‌گوید و وقتی هم که
 دید معایب آن روز کرد انتقاد می‌کند و وقتی هم
 انتقاد کرد این انتقاد و این مقاومت مخفی بالاخره کوه
 راهم از جلو خواهد بکند. پس ما اگر بخواهیم
 اصلاحاتی بکنیم باید سعی کنیم که این مقاومت مخفی
 افکار عمومی را متوجه خودمان بکنیم و طرفدار خودمان
 قرار بدهیم. امروز بنده می‌بینم مردم این مملکت
 (طهران را که می‌بینم سایر جاها را خبر ندارم ولی البته

دزد گفته نشود و این کلمه بی محابا و بی باک يك
 مرتبه به طرف آنها برناب نشود ما آمدم و این پیشنهاد
 را دادیم و گفتیم که تا امروز هر چه شده است شده است
 از این به بعد آقای وزیر عدلیه بیایند با ما موافقت کنند
 برای اینکه جلوگیری شود از انتقادات مردم. برای
 تشفی آن اعضاء صالح و خادم عدلیه که خودشان هم اقرار
 می‌کنند که در عدلیه وجود داشتند و برای اینکه
 مذاکرانی برخلاف اراده واحده وزیر عدلیه زیاده از این
 در این پیشنهاد نشود و ایشان از این مقصود مقدس شان
 (بقول خودشان) باز نمانند بیایند و موافقت کنند
 و همین امروز آقایان رأی بدهند يك کمیسیون پنج نفری
 از خود مجلس از دوستان خودشان هر کس را خودشان
 کاندیدا می‌کنند (چون اکثریت دارند) هر کس را
 که اکثریت میل دارد انتخاب کنند خودشان هم بشوند
 ششم آقای معارشان هم بشوند هفتم بنشینند و کار کنند
 ما هم دیگر کاری بانها نداریم که هر روز تفتیش کنیم
 يك کمیسیون از مجلس شورای ملی به نشینند و اموری را
 که در آینده میخواهند بکنند این اشخاص بکنند و اگر
 هم مورد انتقاد واقع میشوند این انتقاد توزیع بشود بین
 این عده و نوك مخروطی او متوجه وزیر عدلیه تنها نشود
 زیرا خطرناک است. پس بهتر این است که توزیع بشود
 نادر این بین آقای موفقی بشوند اصلاحاتی را که در نظر
 دارند از پیش ببرند و اگر چنانچه این پیشنهاد پذیرفته
 نشود باید يك دلایلی در مقابل این اظهارات گفته شود
 و آن دلایل هم نباید مخفی باشد و اینطور نباشد
 که بگویند چون آقای دکتر مصدق نیامده اند رئیس
 نیز بشوند پس هر چه ایشان میگویند نباید گوش داد.
 خیر نباید این جور بشود. باید حقیقه ایشان بما
 بفهاند که بچه مناسبت اراده شخصی ایشان در نحو سابقه
 اشخاص، در خوب و بد کردن قضات دربر هم زدن قانون
 استخدام، در جلب کردن اشخاص نالایق و غیر صالح
 در نوشتن قوانینی که هر ماده اش با ماده دیگر متناقض

است و بالاخره تمام اینها با قوانین و اصول متناقض
 دارد در تمام اینها چرا باید فقط اراده شخصی ایشان
 حاکم باشد؟ ایشان چه علاقه با بنکار دارند؟ چه بهره
 از این کار میبرند؟ جز اینکه انتقادات متوجه شخص
 ایشان بشود دیگر چه فائده ایشان از این اقدامات فردی
 و شخصی و اراده کیف ما بشائی و این کلمه بی معنی
 (من) میبرند از این کلمه بی معنی (من) از این لفظ
 چه استفاده ایشان می‌کنند؟ بالاخره گفتن این لفظ
 (من) در يك موقعی است که ملت این کلمه را با اقتدارانی
 که دارد بخودش نسبت بدهد ولی يك مملکتی که وضعش
 معلوم است همه بریشان هستند و تناسب کار هایش هم
 با هم معلوم است باید مراعات کرد و آقای وزیر عدلیه نکوید
 من همه اینکارها را میکنم. این کار خودش مانع
 پیشرفت مقاصد این من میشود این گفتن (من) مقاصد
 آقای وزیر عدلیه را فلج خواهد کرد، ایشان آمدند
 و يك کودنائی کردند در عدلیه و يك قدمهائی هم تا
 امروز داشتند. حالا از این ساعت بیایند و موافقت بفرمایند
 و در تحت نظریك کمیسیون (بی جهت نجسبید که آقای دکتر مصدق
 و آقای مدرس شما بیایید و داخل در کمیسیون بشوید)
 موافقت بفرمایند این کمیسیون از مجلس انتخاب بشود و
 این کار را انجام بدهند و بی جهت آقای مدرس و دکتر
 مصدق را نگویند که داخل در کمیسیون بشوید...

وزیر مالیه - چرا؟

بهار - چرا ندارد برای اینکه يك وزیر شب
 خواب دیده است يك کاری کرده است بدون اطلاع
 بنده و شما (با داشتهای شخصی شما را هم بنده شنیدم
 که بآف وزیر مرقوم فرموده بودید حالا نمی‌خواهم
 این جا بگویم) آنوقت بچه دلیل بنده و شما بیائیم مسئول
 عملیات ایشان بشویم؟ ایشان يك کار هائی کرده اند
 خودشان را در معرض هجوم اعتراضات قرار داده اند
 و يك بنائمی را خراب کرده اند و بنای جدیدی هم جایش
 نگذاشته اند حالا لا اقل احساسات عمومی را هم خودشان

تخفیف بدهند پس حالا که این قضایا و حادثات مطالب و تندی مطلب متوجه شما میشود ما دیگر چرا شریک بشویم آقای دکتر مصدق و مدرس و کیل هستند و وظیفه وکالت شان را باید در مجلس شورای ملی عمل کنند. البته هر وقت مجلس شورای ملی این اشخاص را انتخاب کرد بنده از ایشان استعفا میکنم که تشریف ببرند. اما حالا ایشان ما را دعوت میکنند که برویم و با ایشان به نشینیم اینکار صحیح نیست. شما هم اگر جای آقای مدرس بودید قبول نمی فرمودید بالاخره بنده این استعفا را دارم که آقایان موافقین آقای وزیر عدلیه این قضیه را دقت بفرمایند سعی کنند همانطوریکه در جلسه سابق گفتم حالا هم تکرار میکنم که قضا با عاقلانه از پیش برود و اگر این مراعات ها نشود و اگر مثل جلسه قبل نخواهند بگذارند مخالفین حرفهایشان را بزنند و بالاخره بکفایت مذاکرات رای بدهند...

آقا سید یعقوب - دیگر دارید بی لطفی می کنید حالا که دارید حرفتان را می زنید.

بهار - که ما مجبور بشویم در ضمن پیشنهاد حرف بزنیم برای اینکه این مسائل با ملاحظت پیش برود باید همراهی کنند با این پیشنهاد. چون این پیشنهاد بالاخره در نحت نظر خود آقای وزیر عدلیه و اکثریت مجلس است و بالاخره با نظر خود ایشان است و الا باز آن کله آخری را عرض می کنم که بنائی که با احساسات درست بشود با احساسات هم خراب خواهد شد این اصل مسلمی است و هیچ شک و شبهه هم درش نیست مگر اینکه مخرب برود و آنوقت معمار و مهندس بیاید و خرابیهای او را اصلاح کند و الا اگر بنا باشد مخرب بیاید بگوید خیر همانطور که خودم خراب کردم خودم هم باید اصلاح کنم تاریخ ما نشان داده است که این طرز پیشرفت نخواهد کرد و تا آخر دوام نخواهد نمود.

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بشهادت نماینده محترم بنده همیشه در زندگانی ام شاید در این هفت هشت ده سال که باباشان ارتباط قلمی و قدیمی داشته ام همیشه سعی کرده ام که رعایت ادب و شیخوخت ایشان را در همکاری بکنم...

بهار - متشکرم.

شیروانی - و البته امروز هم آن رویه معمولی خودم را تعقیب خواهم کرد. یاد داشتهائی را که آقای بهار اشاره فرمودند خیلی مسرور هستیم که فرمودند در جیب شان گذاشتند و نخواندند ولی بنده تصور می کنم چیزی دیگر نگفته مانده است. هم امروز دیدیم و هم دیشب خواندیم. البته خوب اشخاص حق دارند در زندگانی مبارزه بکنند و حیثیات خودشان را حفظ بکنند. این مبارزات همیشه در تمام طبقات و در تمام مملکت هست يك طبقه می آید جلو آن یکی می رود عقب. حربه ها هم مختلف است. یکی حربه عمل در دست میگیرد. یکی قلم در دست میگیرد و جلو می رود. یکی به فحش تشبث میکند. بالاخره تشبثات هم انواع و اقسام دارد. بنده تقدیس میکنم اشخاصی را که با مبارزه افکار خودشانرا از پیش میبرند و همیشه هم مایل هستم که هر طبقه با مبارزه افکار خودش را از پیش ببرد. يك اظهار لطفی ایشان با آقای وزیر عدلیه فرمودند که با ایشان دوست هستند و از اول تا آخر هفت هشت جا اسم بردند دوستی شان را. بلی. دوستی های آقای ملک با ماها همیشه این جورها بوده است که ما مجبور هستیم همیشه در مقابل ایشان بخندیم چاره دیگر نداریم. در هر صورت در عین حالی که ایشان اظهار دوستی می کردند و کلا را تحریک می فرمودند بر علیه وزیر عدلیه که چه معنی دارد يك نفر زیر اینطور حرف بزند و تعرض بکنند؟ در صورتیکه تصور می کنم در بین تمام وزرائی که آقای ملک در زندگانی شان نوی این مجلس دیده اند هیچ وزیری بخون سردی ایشان و بتمانت و ادب ایشان پشت این زببون حرف نزده است و در عین اظهار لطفی که با آقای

داور فرمودند خواستند يك حساسی را پیدا کنند و سایرین را تحریک کنند. بنا بر این این دوستی آقای ملک گناهی برای ما گران تمام میشود. حقیقه این قضیه باید حل بشود برای اینکه ما دارای يك فکری هستیم و مخالفین ما هم دارای فکر متضاد آن. مخصوصاً يك روزی در این جا که صلاحیتش از همه جا بیشتر است باید این فکر حل بشود. يك عده از امثال آقای دکتر مصدق و همینطور آقای ملک هم که عقیده ایشان را تأیید کردند معتقدند که يك مملکتی همیشه در محاصره يك مواد و اصولی که اسمش قانون است منجمد باقی بماند و تکان بخورد ندهد. این عقیده يك عده است يك عده هم که بنده از آنها هستم عقیده شان این است که مهم ترین قوانین دنیا باید برای مصلحت مملکت وضع شود و هر وقت که استشام ضرر برای مملکت کرد آن قانون را باید زیر پا گذاشت و لیگد کرد. یکی از قوانینی که بنده عقیده ام این است که باید همین معامله را با آن کرد و همراه قانون استخدام قضات فرستاد قانون استخدام کشوری است. برای اینکه باید بالاخره يك روزی بنده و جناب عالی در مجلس شورای ملی به نشینیم و این موادی را که فرمودید روی افکار عمومی در دوره چهارم وضع شده و روی احساسات نبود که حالا با احساسات برود حساب کنیم و به بشنیم که ضرر این قانون برای این مملکت چقدر است. وقتی که ضررش را فهمیدیم دیگر سیاست استخدامی و اینها از بین می رود و خود مملکت منحلش میکند و آن روزی که مملکت دیگر طاقت آن را نیابد و نتواند زیر بار سنگین آن تحمل کند از بین می رود ولو اینکه آقای دکتر مصدق هزار من زنجیر هم بگردنش بیندازند باز می رود بی کارش و همینطور که در عمل دیدیم. مگر ما میخواستیم که این وضعیت پیش بیاید؟ پنجسال پیشتر آقای دکتر مصدق از فارس تلگرافانی کردند و ابدأ راضی نبودند که این وضعیت پیش بیاید و مخالفت کردند ولی سیر طبیعی را که نمیشود جلو گیری

کرد. موقتا میشود اما جلوسیر طبیعی را عرض کردم نمیشود گرفت ولی تنقید میشود کرد. فحش میشود داد، شب نامه میشود انداخت، اینکار هزارا میشود کرد، بلی این جا يك نوحه سرانتهائی فرمودند راجع باین قانون استخدام که بالاخره باید آن را حفظ کنیم و بنده همانطور که گفتم نوحه سرانتهائی وقتی میکنم که واقعاً قانون استخدام باین صورت و همین حال باقی بماند بالاخره باید يك روزی آمد و آن را هم اصلاح کرد. باید دید اساساً دیگران چه قسم زندگانی قانونی دارند. ما بالاخره نباید از خودمان زندگانی من در آوردی اختراع کنیم. باید دید ممالکی که در ظل قانون زندگانی می کنند چه قسم کار میکنند ما يك نظامنامه داخلی برای خودمان داریم که از روی يك نظامنامه در بیست سال پیش از این ترجه شده که آنهم مال چهل سال قبل بوده است. بنده عقیده ام این است که يك قسمت از مواد آن مضر است یکی از مضرات آن این است که الان سه چهارم جلسه است (اول آقای تقی زاده مبتکر این کار شدند بعد آقای دکتر مصدق) که در پیشنهادات سه ساعت چهار ساعت حرف زده میشود بالاخره این مملکت اگر این رویه را که آقایان ابتکار کرده اند که وقتی مجلس مذاکره در يك موضوعی را کافی دانست و داخل در پیشنهادات شد دو باره در پیشنهادات مذاکرات را از سر بگیریم آقای دکتر مصدق تصدیق فرمایند که نه تنها مجلس ششم موفق بقانون گذاری و خدمت بملکت نمیشود هفتاد دوره دیگر هم نمیتواند قانونی وضع کند و بملکت خدمت کند باید جلو اینکار را گرفت. چهار دوره هم هست که ما هی در کمیسیون ها نظامنامه داخلی را اصلاح می کنیم ولی در این جا آن لوطی که بگذارد از این جا بگذرد کیست؟ می فرمایند قانون قانون را نمی گذارید بگذرد. ممکن نیست با این ترتیب قانون بگذرد. از روی چه فلسفه اختیار به کمیسیون عدلیه دادید؟ برای همین رویه ها بوده. ما در يك ماده چندین جلسه است داریم حرف میزنیم. آیا می توانیم هزارها ماده قانون عدلیه

را از مجلس بگذرانیم آنهم باین طریق و با این پیشنهادها؟ پس ما حالا باید بگوئیم که چون آن نظام نامه بیست سال قبل ترجمه شده تا روز قیامت هم باید باشد؟ نه بلکه بنده عقیده ام این است که غیر از قانون اساسی که آنهم بایک فورمول خاصی باید تغییرش داد تمام قوانین را در موقع احتیاج و در هر روزی میشود تغییر داد. آقای ملک میفرمایند که اصول را همیشه باید محترم شمرد و در اطراف اصول خیلی صحبت کردند. بنده متأسف هستم که گاهی در این مملکت مسائل فراموش میشود، تاریخ فراموش میشود بنده اوراق و اسناد و روز نامه هائی در دست دارم که یک روزی برخلاف تمام این اصول نوشته شده است شش سال هم رأی دادند فترت باشد، اساس مشروطیت تعطیل باشد، وکیل هم یک عده انتخاب شده بودند آقای ملک هم بودند بنده یاد ندارم که خیلی اظهار عقیده برای حفظ اصول کرده باشند و شاید یکی از مبرزین آن عهد هم بودم...

مدرس - چرا آقا گفتیم.

شیروانی - بلی. شش سال فترت طول کشید و در یک مواقع خطر ناک در موقع نهاجات خارجی در وقتی که حالا دیگر اسم آن مواقع را مانع نخواهیم ببریم...

بهار - کی - آقا توضیح بدهید

شیروانی - در یک همچو موقعی آقای ملک عقیده داشتند که باید مشروطیت تعطیل شود...

بهار - دروغ میگوئید آقا

شیروانی - شما دروغ میگوئید...

(همه نمايندگان صدای زنگ)

شیروانی - شما حمایت کرده اید از قرارداد. شما عقیده داشتید که مشروطیت این مملکت شش سال تعطیل بشود. من نمیدانم آن روز چرا اصول را حفظ نمی کردید امروز که جامعه میگوید باید عدلیه منحل بشود باید بشود؟! ...

مدرس - پس کی حفظ کرد اصول را کی قرار داد

را بهم زد؟

شیروانی - آقای ملک در دوره پنجم خیلی برای اصول و حفظ آن حرف زدند ولی بالاخره آن اصولی را که شماری پسندید یک عده دیگر نمی پسندند آقای ملک در دوره پنجم یک مرتبه این جا راجع بافکار عمومی حرف زدند با یک بیانات شیرینی قطره های باران راجع کردند در نهر های خیلی کوچک و بعد یک نهر بزرگ و یک سیل بزرگی تصور کردند و فرمودند که این وضعیت در مقابل این سیل نمی تواند دوام بیاورد و آن افکار عمومی آن روزشان با افکار عمومی دیشبشان خیلی فرق دارد بالاخره در آن روز گفتند این حرف را ولی بعد حقیقتش ثابت نشد و در عمل تردید شد... مدرس - تردید نمی شود. پرده را بردار و به بین شیروانی - افکار عمومی در تشخیصات خیلی فرق دارد بعضی ها یک تشخیصاتی میدهند و افکار عمومی را طوری تشخیص میدهند و بعضی ها جور دیگر جلوه گر می کنند یک افکار عمومی هست که امنیت می خواهد، قشوق می خواهد، عدلیه خوب می خواهد، معارف خوب می خواهد: آزادی یعنی حقیقی میخواهد، (یعنی تعرض به آزادی دیگری نشود) مالیه پر میخواهد و بالاخره مملکت آباد می خواهد ولی یک افکار عمومی هم هست که ارادات شخصی را میخواهد و میل دارد که سیاست او پیش برود هر چه می خواهد بشود! بنده آن افکار عمومی را که آنها می خواهند نمی خواهم بنده وکیل ولایات هستم و طرفدار افکار آنها هستم افکار عمومی ولایات امروز امنیت قضائی و امنیت جانی می خواهد. امروز دیگر مملکت طاقت ندارد صبر کند. طاقت ندارد زیر بار حرف برود. بیست سال برای مملکت حرف زده شد. کافی است. شرحی آقای ملک راجع بصلاحت اشخاص اینجا گفتند که اشخاص صالح ظاهر الصلاح خوب با تربیتی را از عدلیه بیرون کردند بنده در این باب زیاد حرف نمی زنم فقط

آن افکار عمومی حقیقی و آن افکار عمومی توده را شاهد بین خودم و آقای ملک قرار میدهم. آقای ملک راجع به پیشنهادشان فرمودند که این پیشنهاد را قبول بفرمائید بنده چون اطلاع دارم که ایشان ده پانزده تا پیشنهاد کرده اند و شاید هم عقیده ندارند که قبول بشود و میل دارند قدری در روی کار صحبت بفرمایند از این جهت بنده راجع به پیشنهاد ایشان عرضی ندارم اینجا فرمودند که باید یک نوعی عمل کرد که سوابق خدمات چندین ساله اشخاص از بین نرود. بنده تقدیس میکنم عواطف آقای ملک را نسبت بر فقایشان که حقیقه در فکر این هستند که یک عده از رفقای ایشان را که در عدلیه هستند سوابقشان محفوظ باشد. این فکر را تقدیس میکنم ولی بنده اصلاح عدلیه را بر حفظ حقوق اشخاص کاملاً ترجیح میدهم اگر عدلیه حقیقه اصلاح شد چند صد نفر هم بی نان بشوند و فدای اصلاح عدلیه بشوند آقای ملک وجداناً باید اجازه بدهند. می فرمایند اجازه بدهید که ما انتقاد کنیم و چرا گفتند مذاکرات کافی است. بنده عرض میکنم که انتقاد خیلی خوبست و بنده هم تقدیس میکنم این فکر را و آقای ملک هم حقاً یکی از متقدین خوب و زبردست و قوی هستند ولی فرق است بین انتقاد و اشکال زنی. اگر آقای ملک حقیقه می خواهند انتقاد کنند و مانع پیشرفت یک مسئله نشوند بنده تصور میکنم در ضمن یک نطق دو نطق که در مجلس میشود و مقالاتی در جرائد نوشته میشود میشود افکارشان را اظهار بکنند و اینها مانع از انتقاد نیست ولی بنده تصور میکنم اگر یک مخالفی پیش آمده است اینطور احساس شده که نظر ایشان تنها انتقاد خالص نیست. در هر صورت ایشان در خانه فرمایشاتشان فرمودند که هر چه با احساسات بیاید با احساسات هم می رود بنده خلاف این را عقیده دارم و برخلاف تجربه کرده ام و معتقدم که با احساسات باید مملکت اصلاح بشود.

یکی از نمایندگان - تنفس داده نمیشود؟

نایب رئیس - رأی میگیریم...

باسائی - آقای بهار نهمت زده اند من باید توضیح بدهم. اجازه بدهید.

افسر - باید جواب پیشنهاد آقای بهار داده شود چون آقای شیروانی فرمودند راجع به پیشنهاد عرضی ندارم.

بهار - مطابق نظامنامه توضیح دارم.

نایب رئیس - بفرمائید

بهار - خیلی متأسفم که در موقع صحبت آقای شیروانی بنده عصبانی شدم زیرا حق این بود که ایشان در موقعی که اظهار میفرمودند صریح بگویند که در فلان مورد تو نوشتی که مملکت باید شش سال فترت بشود چون مبهم فرمودند بنده حقیقه متأسف شدم از این که عصبانی شدم و اما اینکه فرمودند رفقای خودشان را که در عدلیه بوده اند و بیرون کرده اند میخواهند حفظ کنند. این یک صحبتی بود که ممکن بود برای آقایان نمایندگان اسباب اشتباه بشود بنده عرض نکردم که چرا یک اشخاصی را بیرون کرده اند یا یک اشخاصی را قبول کرده اند. عرض کردم که یک اشخاصی که هدفه هیچده سال در این مملکت خدمت کرده اند، نوکر دولت بوده اند، نباید بدون رسیدگی و محاکمه گفت که اینها دزدند آنهم در پشت تربیون در یک مقام رسمی. یک کلماتی که حال یک حکم را دارد و از طرف یک قاضی باید گفته شود بدون محاکمه نباید مردم گفت. نباید بقضاة (خوب یا بد) گفت (دزد) آنهم بدون محاکمه. و اما خود بنده نه یک نفر قوم و خویش در عدلیه دارم نه یک نفر وابسته و نه بالاخره علاقه دارم که عدلیه با چه قوانینی جریان پیدا کند. یک محاکمه هم بنده در عدلیه داشتم که قبل از اینها در نتیجه یک قضایای سیاسی و غیر سیاسی محکوم شده ام و پولش را هم مانده دارم از حقوق میدهم و هیچوقت هم از آقای وزیر عدلیه تقاضائی نکرده ام و مرادم این بود که نسبت بد باشخص

داده نشود بدون محکمه .

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بهار باسائی - آقا اجازه بدهید . ایشان نهمت بمن زدند نایب رئیس - سابقه این است که بکنفر موافق و يك نفر مخالف حرف میزند . رأی میگیریم آقایانی که پیشنهاد آقای بهار را تصویب می کنند قیام فرمایند . (عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد . پیشنهادانی که شده است یا تبصره است یا مواد الحاقیه است . سابقه بر این است که بدو ماده واحد رای گرفته میشود بعد مواد الحاقیه و تبصره و بعد در کلیات . فعلاً ماده واحد قرائت میشود و رأی میگیریم تا با اصلاحات برسیم

(ماده مزبور را آقای دیوان بیکی بشرح ذیل قرائت نمودند) ماده واحد - مجلس شورای ملی اختیارات وزیر فعلی عدلیه مصوبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ را از تاریخ تصویب این قانون برای مدت شش ماه تجدید و تمدید مینماید

بعضی از نمایندگان - چهار ماه است دیوان بیکی - در اصل لایحه ششماه نوشته شده وزیر عدلیه - خیر چهار ماه شده است بعضی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه موافقت با ماده واحد برتریبی که قرائت شد قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای باسائی توضیحی دارند ؟ باسائی - آقای بهار در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که در

جلسه گذشته بنده اظهار کردم که قضانی که در طهران هستند همه دزدند در صورتیکه بنده چنین عرضی نکردم صورت جلسه هم شاهد است بنده عرض کردم بعضی از قضات که صلاحیتشان مشکوک است و مورد تردید هستند . بعضی ها هم هستند که دعوت نشده اند و قضات صالح و خوبی هستند و اگر دعوت نشده اند دلیل بر این نیست که ناصالح هستند بنده همچو عرضی نکردم و کسی را میشود گفت دزد است که حکم محکمه بر علیهش صادر شده باشد .

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای حاج شیخ بیات .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را :

تبصره - اشخاصی که در آئیه مطابق این اختیارات ماده واحد دعوت میشوند (قضات جدید) باید با امتحان قضائی وارد شوند و مستخدمین اداری باید از منتظرین خدمت آن وزارتخانه یا سایر وزارتخانه ها مطابق رتبه سابقشان دعوت شوند

نایب رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده گرچه میل نداشتم وارد در فرمایشات آقای وزیر عدلیه که در جلسه گذشته فرمودند بشوم ولی دو قسمت اعتراض به بنده شد راجع به بیاناتی که عرض کرده بودم . اولاً گفته شد که بنده وارد شخصیات شده ام در صورتیکه بنده هیچوقت نظر شخصی نداشته و ندارم و اگر عرضی هم کردم راجع بیک مسئله کلی بود . برای اینکه کلیه لوائح قانونی و اختیارات و یا کنتران متخصصین که بمجلس می آید باید همیشه مراجعه بسابقه عمل شود . اگر مراجعه به سابقه عمل کردیم و آنرا مد نظر قرار دادیم طبیعتاً نسبت به آئیه خیلی زود می توانیم نتیجه بگیریم و استفاده ببریم . مثلاً فرض فرمائید نسبت بهمین کنتران دکتر میلسپو . امروز که همه نمایندگان بادواک اینقدر موافقت دارند بانجديد کنتران او فقط از نقطه نظر عملیانش

است . پس اگر این سابقه را ما در مد نظر قرار دادیم می توانیم بگوئیم ما موافقیم بانجديد کنتران او برای این که کار خوب کرده و مملکت استفاده از کار او کرده ما باید بایک اصلاحاتی کنتران او را تجدید کنیم راجع اختیارات هم بنده همین عقیده را دارم عقیده ام این است که ما وقتی يك اختیاراتی بیک وزیر میدهم باید به بینیم عملیات آن وزیر چه بوده . آیا حقیقت اصلاح بوده یا خیر ؟ البته اگر ما مراجعه بعمل کنیم بهتر میتوانیم قضیه را حل کنیم نظر بنده بطور کلی بوده و مربوط بشخص آقای وزیر فعلی عدلیه نبوده است ولی متأسفانه ایشان علاوه بر اینکه توجه بعرض بنده فرمودند در پشت تربیون يك حملات خیلی شدیدی فرمودند . بنده نمیخواهم عمل متقابل کنم نسبت با ایشان . برای اینکه بنده اگر يك آدم استفاده چی باشم جامعه و آقایان همه بنده رامیشناختند و اگر تقاضائی کرده باشم ایشان بهتر از همه میدانند برای اینکه بنده در این مدت که ایشان اختیارات گرفته اند فقط بیک مرتبه ایشانرا ملاقات کردم یعنی در همینجا در تنفس باینده يك مذاکرانی فرمودند که چند نفر از آقایان نمایندگان هم آنجا حاضر بودند . بنده راجع بکلیات عرضی کردم . البته تصدیق میفرمایند کسی که در طهران داخل يك سیاست هائی بوده بهتر میتواند يك قضایائی را حل کند و اگر يك نظریاتی دارد بنده عقیده ام این است که با هر فرد ایرانی که میخواهد يك کاری بکند باید کمک فکری بکند ولی ایشان بدبختانه یا خوشبختانه میل ندارند کسی با ایشان کمک فکری بکند . بنده هم عرض نمیکنم و امیدوارم که ایشان موفق شوند به يك اصلاحات کاملی به کمک آقایان نمایندگان و بایک نظری که حقیقتاً نظر اصلاح باشد . علاوه بر این بنده گمان میکنم اصلاحات در این مملکت نه تنها در وزارت عدلیه بلکه در تمام وزارتخانهها لازم است و هیچ صاحب وجدانی هم نمیتواند سناکر شود برای اینکه همه روزه در پشت همین تربیون اغلب

آقایان همین آقای شیروانی هزارها دفعه فرموده اند که در فلان وزارتخانه ما چه اصلاحاتی لازم داریم که باید بشود . این است که بنده هیچوقت مخالف با اصلاحات نبوده ام و نیستم و امیدوارم هر کسی که فکر اصلاحی نسبت به هر وزارتخانه داشته باشد موفق شود . ولی اینجا بنده يك اصولی در دعوت قضات معتقد هستم باید باشد همانطور که سابق هم در قوانین تشکیلات عدلیه بوده . از جمله این است که يك قاضی را که در مرحله اول دعوت میکنند برای قضاوت باید امتحان قضائی بدهد و بعد از آنکه امتحان قضائی داد بعقیده بنده باید رقیایش رتبه برتبه باشد

زوار - ماده ۶۳

حاج شیخ بیات - تبصره است . اینجا ۶۳ ندارد مراجعه بنظرمانماید بفرمائید . در قانون سابق این موضوع بود که هر قاضی را که دعوت میکردند بعد از اولاً امتحان قضائی میکردند بعد از آنکه امتحان قضائی می کردند یکسال بطور استاذ عمل میکرد و بعد از آن نازه این آدم را برتبه اول قضاوت میگذاشتند و این هم حق بوده نه خلاف حق برای اینکه مجرد تحصیل و اطلاعات علمی نمیتواند يك شخصی را در عمل يك قاضی خوب بکند بعد از آنکه يك مدتی عملیات قضائی کرد آنوقت میشود گفت قاضی خوبی است این مسئله قضاوت يك امر مهمی است در مملکت چون حقوق جامعه را حفظ میکند هر چه مملکت دارد از حیث ناموس و شرافت در زیر دست قضات و عدلیه است و حقوق مردم در این وزارتخانه باید محفوظ شود این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم که آقای وزیر عدلیه قبول فرمایند و این اختیاراتی را که دارند يك نفر قاضی جدید را که دعوت میفرمایند بقضاوت اولاً امتحان قضائی نسبت با او عمل بشود یعنی اول او را امتحان قضائی بکنند بعد او را دعوت کنند و اما قسمت دیگر پیشنهاد بنده راجع است بدعوت اشخاص اداری برای استخدام وزارت عدلیه همانطور

که آقای تقی زاده در جلسه گذشته فرمودند ما نباید این طور قانون استخدام را از بین ببریم. عقیده بنده این است که بالاخره مجلس شورای ملی باید يك تصميمی درباره این قانون استخدام بگیرد با اصلاحش کند یا بکلی از بین ببرد نه اینکه باین عنوان متشبه شود، يك جا دمس را بزند، يك جا پایش را، يك جا سرش را، آنوقت يك جسد تنها باقی بماند. این است که بنده معتقدم اشخاص اداری را که می خواهند دعوت کنند برای قسمت اداری وزارت عدلیه از منتظرین خدمت وزارت عدلیه یا سایر وزارتخانهها دعوت کنند و بهمان رتبه که سابقاً مشغول کار بوده اند دعوت کنند برای اینکه ما همیشه از سنگینی بودجه مملکت داد میزنیم يك کسی که خودش باچهل تومان در فلان وزارتخانه کار میکرد است امروز او را بیاوریم صد و هفت تومان بدهیم جهت ندارد. بالاخره ما اختیارات داریم در دادن پول این ملت بيك مستخدمینی امانه این اندازه که از کیسه ملت بدهیم. این است که بنده این پیشنهاد را کردم و هیچ نظر خصوصی هم با کسی نداشته و ندارم و تکذیب می کنم اینکه فرمودند تقاضای از کسی کرده ام نه از این وزارتخانه بلکه هر وزارتخانه در پشت همین زیربوم بیاید ثابت کند اگر من تقاضای نامشروعی از کسی کرده ام حاضرم که محکوم بشوم

وزیر عدلیه - تنگی وقت و مذاکرات مفصلی که تا بحال در مجلس راجع باین پیشنهادات شده است البته مانع از این است که بنده بخوام در اینجا شرح مفصلی عرض کنم لذا در آن قسمت مقدماتی فرمایشات ایشان وارد نمیشوم و گمان میکنم بهتر همین است. البته بنده و ایشان نمی بایستی اینجا وقتی میخواهیم يك مسئله مهمی را حل کنیم يك صورتی در ضمن مذاکره پیدا کند که مثل دعوی شخصی بشود. وارد میشوم در قسمت دوم که اصل پیشنهاد باشد. اصل پیشنهاد يك جزئیات مربوط بامتحان قضاة است که میفرمایند سابقاً اینطور بوده

است. بلی این اواخر قرار يك امتحانی بود. خود بنده هم يك وقتی جزء متحنین دعوت شده بودم و بواسطه این که خودم آنجا بودم دیدم که آن امتحان سرو صورتی نداشت و فقط يك صورت ظاهری بود. چون بدبختی این است که در این مملکت چون عادت بامتحان و این ترتیبات ناز نکرده ایم اشخاص خیلی فاضل وقتی پای امتحان شد حاضر نمیشوند. انصاف بدهید. يك اشخاص متنوری را اگرخواستید امتحان کنید امکان ندارد حاضر شوند. آنوقت يك اشخاص درجه سوم و چهارم ممکن است حاضر شوند برای امتحان و وقتیکه شما این شرط را قرار دادید ناچار هستید آن اشخاص درجه سوم و چهارم را صورت يك امتحانی بکنید و يك ورقه هم بدستان بدهید در موقعی هم که عدلیه منحل شد يك عده زیادی از آقایان بودند که هیچ امتحان هم نداده بودند، از مبرزین هم بودند، خیلی فاضل هم بودند و هستند و بعضی شانرا هم بنده در این تشکیلات داخل کردم ولی در هر صورت مقامات مهم بیشتر در دست اشخاصی بود که سابقه امتحان نداشته اند همان سابق هم وقتیکه قرار امتحان شده بود گفتند آهائمانی که قبل از سنه ۳۲ داخل شده اند نباید امتحان کرد. اما در قسمت دوم اینرا هم گمان میکنم زیاد اظهار نظر کردن درش لازم نیست برای اینکه از اول بنده مخالف بودم و اگر بنا بود بنده يك اشخاصی را از يك جایی بیآورم و از رتبه اول یا اینکه يك رتبه بالاتر بهشان داده شود این البته ممکن بود ولی دیگر این اختیاراتی که بنده گرفتم و تا امروز هم عمل کرده ام لازم نبود بهر حال باقی قضیه بسته است به رأی آقایان.

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس تصویب نشد. تبصره پیشنهادی آقای عباس میرزا (باین مضمون قرائت شد)

تبصره ذیل را بقانون اختیارات عدلیه پیشنهاد میکنیم اجزاء عدلیه سابق تا در محکمه محکوم نشده و تقصیر آنها ثابت نشود جزو مستخدمین رسمی عدلیه محسوب خواهند بود

نایب رئیس - آقای عباس میرزا.

عباس میرزا فرمائید مائیان - مقصود بنده از پیشنهاد تبصره این است که يك عده زیادی از اجزاء عدلیه سابق بحال تزلزل در ولایات و طهران هستند. يك اشخاصی توانسته اند بطهران آمده اند ممکن است کار خودشان را صورت بدهند و اگر هم دوسیه آنها بمحکمه انتظامی رفته باشد تا آنها را احضار کنند البته يك مدتی برای آنها لازم است که بیایند و خودشان را تبرئه کنند و بالاخره اگر مدت اختیارات تمام شود رسد باینکه در يك جایی تبرئه یا محکوم شوند تصور می کنم خود آقای وزیر عدلیه نظر ندارند که اینها بکلی از خدمت دولتی محروم شوند. نظر باینکه اینها بکلی از حقوق و خدمات سابقه خود محروم نشوند يك تذکری بنده در اینجا دادم که اگر نظر آقای وزیر عدلیه باشد بيك ترتیبی در قانون بگنجانند بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید

وزیر عدلیه - بيك مرتبه دیگر پیشنهاد قرائت شود.

(مجدداً قرائت شد)

وزیر عدلیه - اگر مقصود نماینده محترم این است که سر کار باشند اینرا بنده قبول نمیکنم و اگر مقصود این است که تا وقتیکه سر کار نیامده اند جزو منتظرین خدمت باشند این در قانون سابق هست و لزومی ندارد اینجا نوشته شود.

عباس میرزا - در صورتیکه هست بنده مسترد میدارم نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای روحی.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره الحاقیه - کلیه قضات و رؤسای محاکم بیش از سه سال حق مأموریت در يك محل را نخواهند داشت

نایب رئیس - آقای روحی.

روحی - بنده توضیح زائیدی ندارم وقت هم گذشته است مأموری که در يك محل ماند در تحت نفوذ اهل همان محل واقع میشود بنا بر این خوب است آقایان هم اجازه بدهند که این پیشنهاد تصویب شود

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بيك مسئله را در کمیونی که از نمایندگان فراکسیونها در منزل آقای وزیر عدلیه تشکیل شده بود نظیر این مسئله بنده با آقای وزیر عدلیه صحبت کردم. اگر آن مسئله اساسی باشد بنده جداً مخالف با این پیشنهاد هستم بعد آقای وزیر عدلیه فرمودند چرا میگوئی (اگر) بنده نظرم این است که برای این عدلیه که مقامات ایران عموماً متوجه هستند باصلاحش بيك هیئت تقنینیه معین شوند سالی دو مرتبه سه مرتبه در ایالات و ولایات روانه شوند باین معنی سابقاً قانون اساسی قضات را دارای يك استقلال و ثباتی کرده بود که بهیچ نوع نمیشد حرکتشان داد چون حقیقه تقنینی در بین نبود، محاکمه هم در بین نبود، محاکمه انتظامی هم در بین نبود، در اینصورت این پیشنهاد ضرورت داشت که دو سال سه سال بیشتر در محل نمانند. اما اگر این موادی است که وزیر عدلیه وضع کرده است و این لایحه تشکیلات است که وزیر عدلیه معین کرده است و بنده که رأی میدهم روی این عقیده رأی میدهم که هیئت مفتش معین خواهد شد از طرف وزارت عدلیه یعنی قضات سیاری معین خواهند شد در هر سال در ولایات گردش خواهند کرد دیگر يك سال باشد یا دو سال باشد یا چهار سال باشد برای چه؟ و اگر شما میخواهید برای قاضی هیئت مفتش معین نکنید سه سال که سهل است شش ماه زیاد است اما اگر هیئت مفتش میخواهید معین کنید چنانچه در لایحه تشکیلات هم هست و باید این کار را بکنند و

وزیر عدلیه باید بیاورد در پشت زریون بگوید که ما قضاات را که معین میکنیم هیئت مفتشه هم برای آنها معین میکنیم و میفرستیم چون قضاات ما که میفرستیم دارای ملکه عدالت نیستند دارای ملکه عصمت نیستند باید از قوه قضائیه هیئت تقنینیه برای آنها معین شود که بروند اعمالشان را نفتیش کنند و دوسیه آنها را تحت نظر بگیرند، هر دوسیه که محل اشکال واقع شد محکمه انتظامی بیاید، اگر همانطور که آقای وزیر عدلیه در منزلش گفت که چرا میگوئی (اگر) یکی از کارهای مهم من معین کردن هیئت مفتشه است، اگر بنا باشد یعنی (اگر) هم ندارد مسلماً همینطور که محاکم را که تشکیل دادند هیئت مفتشه را هم تشکیل میدهند در اینصورت چرا سه سال باشد؟ شما وحشت دارید که سه سال در آنجا بماند اهلی میشود و يك ترتیبی واقع میشود اما وقتی هیئت مفتشه ما قرار میدهم آن قسمت را دیگر نباید قائل شد و همیشه هم قانون باید مندر و مبشر باشد یعنی همان چیزی که در شعر فردوسی هست که نمیخواهم اینجا بگویم، باید مأمور که از اینجا روانه میشود رفیق و عقید همراهش باشد یعنی چشم همراهش باشد، حالا آقایان: ما زود یادمان میرود، ایرانی فراموشکار است، بنده خودم یادم رفته است که در پنج شش ماه قبل یکساعت داد زدم از دست عدلیه که آقایان بیایید عدلیه را اصلاح کنید، حالا آقای حاج شیخ بیات میفرمایند ما کمترین دکترا میلسپو را ننجید میکنیم، آقایان دکترا میلسپو پنجسال است کار کرده است و حالا میخواهیم ننجید کنیم ولی آخر این را هم بگذارید یکسال بماند آنوقت بگوئیم برود ولی چهارماه که بیشتر نیست، بگذارید يك مدتی بگذرد که ای صوفی شراب آنکه شود صاف، پس باید هیئت مفتشه معین شود که مبشر و مندر باشد و روند تحقیق و نفتیش کنند. بنابراین حالا که آقای وزیر عدلیه این را قبول میکنند و در پشت زریون میگویند برای ابالات و ولایات و مراکز

قضاات مفتشه معین میشوند و بدوسیه رسیدگی میشود بنده عقیده ندارم مدت مأموریت آنها را ننجید کنیم آقای وزیر عدلیه میفرمایند بلکه نسبت بنام مأمورین، خیر آقای شما مأمورین را تحت نفتیش قانون قرار بدهید هیچ محتاج باینها نیست اگر بخواید باز مطلق العنان باشد فرقی نمیکند دو سال باشد یا پنج سال باشد باده سال این است عقیده بنده.

وزیر عدلیه - بنده در آن قسمت راجع بتفتیش همانطوری که خود نماینده محترم اظهار کردند وقتی با (اگر) اظهار کردند عرض کردم (اگر) نفرمائید و الان هر يك از آقایان بخواهند رجوع کنند بعدلیه برای اینکه برای آنها مسلم شود بنده میتوانم آنها را بیرم رجوع کنند و به بینند راجع بهمین اشخاصی که الان در سر کار هستند بواسطه يك کارهای جزئی که از آنها سر زده است و عدم رعایت بعضی مواد در محکمه انتظامی تعقیب شده اند و یکی دو نفر هم محکوم شده اند. بنا بر این بنده از نقطه نظر خصوصی اشخاص را نیاوردهام و کاملاً هم این عقیده را که اظهار کردند بنده معتقدم که اساس اصلاح در حسن انتخاب اشخاص نیست بلکه روی این است که يك مراقبت و نفتیشی بشود تا هر کس بطور قطع و یقین بداند که هر کس بد کرد باید مجازات شود. اما راجع باصل پیشنهاد آقای روحی بنده بهتر میدانم که قضیه را واگذار برای مجلس بکنم. اگر اگریت موافقت کردند که کرده اند ولی این چندین مربوط باصل تشکیلات ما نیست.

نایب رئیس - آقای روحی صاحبمنصبان پارک را هم به پیشنهاد خودشان علاوه کرده اند مهدوی - بنده مخالف نمیشود

وزیر عدلیه - در هر حال اگر آقایان میخواهند رأی بدهند باید بدانند که نسبت بکلیه قضاات این مسئله غیر عملی است زیرا مثلاً اعضاء نیز را نمیتوانم بعد از يك مدتی بیرم بولایات

روحی - خیر راجع بولایات است.

نایب رئیس - آقای مهدوی

مهدوی - بعقیده بنده تفسیر قانون اساسی راجع حق دارد بکنند ولی خوب است بدو آنرا تفسیر کنند بعد رأی به پیشنهاد بدهند. اصل هشتمادوم میگوید تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر رضای خود او و در سایر مواد هم که میفرسید مگر بحکم قانون در این جا آن عبارت را هم ندارد.

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اولاً همانطور که فرمودند حق تفسیر با مجلس است و مجلس هر قانونی را که گذراند خودش تفسیر قانون اساسی است و ما این فرضی را که آقای رئیس التجر فرمودند مستلزم این میشود که نتیجه و نواده های هر قاضی در آن محل قضاوت کنند پس قصد انشاء قانون گذار این نبوده است. قصد انشاء قانون گذار این بوده که قاضی در هر جا هست بدون تقصیر او را نمیتوانند عزل و نصب نمایند نه اینکه نتوانند بقاضی بگویند از شهر تبریز برو بمرآغه.

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

نایب رئیس - آقای بیات

بیات - بنده با اظهارات آقای شیروانی موافقم

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - همانطور که آقای آقا سید یعقوب در ضمن نطقشان اشاره کردند در آن روزی که در منزل آقای وزیر عدلیه کمیسیون بود که بنده هم یکی از آن اشخاص بودم که در آن کمیسیون بودیم ما نظریاتمان این بود و يك تبصره هم نوشته ایم و بعد پیشنهاد میکنیم. آن کمیسیونی هم که اصول تشکیلات را مینوشته است يك ماده نوشته است که محلی بودن قضاات را مانع است. ما با آن اصل هم مخالفیم و يك پیشنهاد میدهم که آن اصل الفاء شود و محلی بودن مانع نباشد تاچه رسد به

اینکه دو سال هم نباید در محل باشد این پیشنهادها و این صحبتها يك طوری دارد جلوه میکنند که گویا طهران را ما خارج از ولایات فرض میکنیم. خیر آقا طهران که خارج از ایران نیست، ایران هم طهران نیست. در تمام ولایات اگر مردمانشان لیاقت قضاوت داشته باشند و صالح باشند حق دارند قضاوت کنند و کسی که صلاحیت داشته باشد و بخواهد قضاوت کند نباید باو گفت که آقا حق نداری در اینجا قضاوت کنی که باید حتماً بروی در جوشقان قضاوت کنی. بنده با این نظر نمیتوانم موافقت کنم و تصور میکنم که این يك نظر سوئی هم در ولایات تولید میکند الان برای این ماده در ولایات نسبت به این اصول تشکیلات بدین شده اند برای این ماده. لهذا نمیشود باین پیشنهاد رأی گرفت علاوه بر اینکه با او مخالفیم باین هم نمیتوانیم رأی بدهیم که دو سال بیشتر نباشند

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید.

محمد هاشم میرزا افسر - رأی به چه بدهیم؟

نایب رئیس - آقای بیات

بیات - اینجا در قسمت آقای عراقی مذاکره فرمودند یکی نسبت بموضوع تفسیر قانون اساسی و یکی قسمت محلی بودن اما در اصل موضوع قانون اساسی همانطور که فرمودند مقصود از این تبدیل تبدیل بشغل اداری است یعنی يك قاضی را ببرند در اداره مستخدم بکنند یا بالعکس این البته باید محتاج رضایت خودش باشد و الا اگر نتوانند تبدیل رتبه بدهند این يك چیزی است که هیچ ممکن نمیشود....

جمعی از نمایندگان - اینطور نیست. اصل قانون اساسی است.

(همه بین نمایندگان)

بیات - تا باید يك قاضی نمیشود در يك نقطه باشد تبدیل نتوانند بدهند نتیجه اش اینطور میشود آنوقت

باید تمام مال و جان مردم را دست او بدهند و همانطور که اظهار کردند البته اگر مجلس شورای ملی رأی داد که مقصود تبدیل بشغل اداری است آنطور میشود و اگر رأی ندارد بان ترتیبی که سابق بوده و آقایان اظهار میکنند رفتار میشود...

(همهمه بین نمایندگان - صدای زنک)

بیات - بهر حال این قسمت بسته برای مجلس است..

(همهمه نمایندگان)

بیات - پس مذاکراتتان را بفرمائید بعد بنده عرض کنم.

نایب رئیس - آقای افشار

بیات - بنده صحبت تمام نمود. خواستم صحبت سایر آقایان تمام بشود بعد عرض کنم اما راجع بمحلی بودن. این قسمت هم هیچ محل گفتگو نیست که اگر يك آدمی مدتی در يك محلی ماند هر چه هم مقدس باشد يك حب و بغض هائی برایش پیدا میشود...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(بعضی گفتند صحیح نیست)

بیات - هر چه هم مقدس باشد باز در ضمن در عمل يك خبطهائی ممکن است بکند و يك حب و بغضهائی پیدا میکند و اگر این آدم خوب است بگذارید جاهاي دیگر هم ازش استفاده کنند و اگر بد است يك مدتی هم رفع شر او از آنجا بشود. در هر صورت ما نمیگوئیم که حق قضاوت را از او سلب کنند. حقیق قضاوت از او سلب نمیشود. او قاضی است از این نقطه بلندش میکنند نقطه دیگر میگذارند. بهر صورت بعقیده بنده از نقطه نظر مصالح مردم لازم است و هیچ مخالفتی هم با قانون اساسی ندارد.

عده از نمایندگان - (با همهمه) خیلی مخالفت دارد

(صدای زنک)

نایب رئیس - آقای افشار

افشار - اگر اهل محل بودن بد است بنده عرض میکنم چرا برای طهران خوب است برای سایر نقاط بد است باید این قسمت را هم در مرکز و هم در ولایات مراعات کرد. بلی بد را اگر بيك جائی بفرستند که محل خودش نباشد بدتر خواهد بود و اگر در محل خودش باشد بیشتر اشخاص را میشناسد بیشتر اهل محل خودش را میشناسد و ممکن است تا درجه ملاحظه کند ولی در قسمت اینکه لم بتغیر و لم يتبدل باشد قانون حکم میکند که اگر قاضی برخلاف عدالت و قانون رفتار کرد باید او را عوض کرد. اما وقت معین کردن دو سال و سه سال خوب نیست. البته اگر يك قاضی خوب بود ده سال هم بماند ضرر ندارد و اینکه برای يك قاضی دو سال مدت معین کنند.

روحی - سه سال

افشار - بقول آقا سه سال مدت معین کنند بنده مخالفم.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید. این مطلب که حالا اینجا مطرح است یکی از قسمت های مهم حقوقی و مسائل مبتلا به عدلیه است. چندین سال متوالی در عدلیه اشخاصی که مربوط بکار این وزارتخانه بودند همیشه گرفتار این قسمت بودند. بعضی آقایان در ضمن صحبتشان میگفتند که یکی از علل انحلال عدلیه همین بود. بنده با تجربیاتی که در عمل در عدلیه دارم این حرف را تصدیق کنم و از آنطرف هم نمیتوانم عرض کنم که در ضمن يك تبصره بایک ماده قانون باینکه آقایان میل دارند در این قسمت خیلی دقت شود و قانون اساسی هم ذکری در این قضیه دارد حالا بتوانیم اسرور با این عجله این کار را صورت بدهیم. در اینکه این قضیه باید يك صورتی بخودش بگیرد هیچ حرفی نیست. تمام آقایان که میل به اصلاح عدلیه دارند باید معتقد باشند که اگر در ترجمه يك عبارتی درست مقصود اصلی بعمل نیامده بالاخره يك روزی باید اصلاح شود. لايتغير بودن

قاضی از نقطه نظر محل. با از نقطه نظر صندلی این يك چیز عجیبی است! اما از نقطه نظر مقام و رتبه و قضاوت هم برای حفظ استقلال قاضی در مقابل قوه مجریه این يك مسئله است که بایستی کلاماً درش دقت کرد. بنده میخواهم از آقای روحی نمنا بکنم که در اینموقع که ما میخواهیم اصل قضیه تشکیلات وزارت عدلیه و اختیارات آقای وزیر عدلیه را از مجلس بگذرانیم و این کار عجله هم دارد این این تبصره شان را عجلتاً مسترد بدارند، خود آقای وزیر عدلیه در این خصوص فکر بفرمایند يك لایحه مخصوصی در این باب تهیه کنند بیاورند بمجلس با اطلاع آقایان نمایندگان این بفرنج بزرگ حل شود.

روحی - بنده مشروط بر اینکه این طرح زودتر بیاید مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر آقای روحی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره الحاقیه - کلیه روسای محاکم ومدعی العموم ها و وکلای عمومی در حوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محرومند

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در آن تبصره که فرمودند...

(همهمه بین نمایندگان)

روحی - آقا زنک را بزیند زیاد صحبت نکنند. در آن تبصره که بنده سابق دادم بجدی آقایان اظهار موافقت کردند که حتی امان ندادند بنده توضیح بدم حتی بعضی ها هم گفتند سه سال زیاد است دو سال کنید ولی حالا خواهش میکنم يك قدری نسبت باین توجه بفرمایند این نه اصطکاک با قانون عدلیه دارد و نه با قانون اساسی و نه هیچ جای دنیا بر میخورد عرض میکنم بهمان اصلی که مأمورین نظام و مأمورین مالیه از

انتخاب شدن محروم مانده اند بهمان اصل هم قضات و صاحب مناصب عدلیه بایستی محروم شوند چون این عدلیه که بنده میبینم آقای داور در نظر دارند يك عدلیه با اهمیت و عظمتی خواهد شد و از آنجا که بنده بقاضی اهمیت میدهم و مقام قاضی را در جامعه خیلی مهم میدانم و نباید جز نظر عدالت برای جامعه چیز دیگری را تعقیب کنند اگر این حق را ما از قضاة نگیریم رفته رفته بهوس وکالت میافتند و این هوس وکالت باعث تضییع حقوق زیر دستان میشود و با متنفذین محلی میسازند و در دوره هفتم نکت نمایندگان مجلس شورای ملی از قضات عدلیه خواهند بود. بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم با قانون اساسی هم مخالفت و تضادی نداشته باشد

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده استدلالانی که نماینده محترم برای پیشنهاد خودشان کردند صحیح نیست...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

شریعت زاده - زیرا که اولاً دلائلی که ایشان راجع بنظامیهها اشاره کردند بهیچوجه دلائلی نیست که در مورد قضاة مؤثر باشد همچنین دلائلی که راجع به... (همهمه بین نمایندگان)

شریعت زاده - بنده خواستم بعرض آقایان برسانم که دلائلی که نماینده محترم راجع بنظامیهها اقامه نمودند در این مورد نمیتواند مؤثر باشد. همچنین دلائلی که راجع بمأمورین مالیه فرمودند زیرا موقعی که مجلس راجع بمأمورین مالیه رأی داده است موقعی بوده است که فجایع اعمال مأمورین مالیه در دو سال قبل از این و تضییقاتی که آنها نسبت باهالی میکردند و احتیاجات شدیدی که نسبت بمساعدت آنها داشتند موجب شد که مجلس آن رأی را داد والا او هم فلسفه ندارد و بعلاوه بنده معتقدم هر قدر در مجلس از قضات و وکلای از حیث ورزش فکر قابل استفاده هستند بیشتر باشند بمصلحت مملکت است. این است که بنده با این پیشنهاد مخالفم

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. تبصره پیشنهادی آقای بهار (بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده علاوه شود.
تبصره - هر يك از قضات سابق که در عدلیه دعوت نشده اند باید محکمه انتظامی دلیل عدم صلاحیت او را در ظرف چهار ماه تمدید در جراید اعلان نماید
شیروانی - بنده يك تذکر نظامنامه دارم
نایب رئیس - بفرمائید

شیروانی - فقط ماده ۱۱۰ را بنده اخطار میکنم ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس او را متذکر میسازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است یا آنکه خارج از موضوع شدن دلایل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد.

بهار - این بدیهی بود و محتاج بفرمایش سرکار نبود خیلی مرحمت فرمودید آقای شیروانی. عرض کنم این پیشنهاد بنده يك تبصره است و البته اگر چنانچه در اطراف این تبصره لااقل موفق شوم که جواب فرمایشات آقای شیروانی را که بقول خودشان داخل در موضوع بود بدهم بمقصود خود رسیده ام. عرض کنم متأسفانه علی رغم آن یاد آور بهائی که بنده در نطق خودم کردم آقای شیروانی در موقع دفاع از نطق بنده باز متشبه بشخصیات شدند آقای شیروانی در ضمن فرمایشاتشان در مقابل اظهارات بنده که عرض کردم اگر چنانچه اهالی يك مملکت از يك مؤسسه ناراضی باشند اسباب زحمت آن مؤسسه می شود در مقابل این اصل مسلم ثابت ایشان دفاعی که فرمودند این بود که ملك الشعراء بهار يك روز دیگری

کابینه نانی ایشان انتخاباتی که بعد از سقوط کابینه اول ایشان که بواسطه انقلابات مملکتی ناقص و خنثی مانده بود دو دفعه در کابینه ایشان شروع شد و وقتی که کابینه ایشان بعد از دو سال افتاد انتخابات تمام شده بود و وکلا بحد نصاب در مرکز حاضر بودند
نایب رئیس - از موضوع خارج نشوید.

بهار - بنده باید جواب اعتراضات ایشان را بدهم و تقریباً عرایض بنده هم تمام شد بالاخره بنده در آوقت ابدأ پیشنهاد نکردم که باید شش سال فترت باشد

شیروانی - مقالات ایران شاهد است بهار - مقالات ایران تمام به نفع جامعه و نفع مملکت بوده است و بالاخره آنروز که شما در این شهر نبودید مادر این شهر خدمت میکردیم و این فکر نوی که امروزه اساس اقتضای متجددین شده است در نتیجه زحمت ماها بوده است ما نوشتیم که مملکت باید انتظام داشته باشد مانوشتم که باید هوچی گری و فساد از مملکت برود. ما نوشتیم که بایستی امنیت و عدالت و انتظام قائم مقام هرج و مرج بشود. امروز هم اگر يك افق روشنی می بینید - نتیجه زحمت ما است که نوشته ایم و ملت هم شنیده است و قدردانی هم کرده و باز هم قدردانی میکند. اما راجع به وزارت عدلیه و راجع به تبصره بنده دیگر لازم نمیدانم قضایای زیادتر و مطالب بیشتری از آنچه عرض کرده ام عرض کنم ولی نظر بنحیر و صلاح خود آقای وزیر عدلیه است که این پیشنهاد را کرده ام و نمنا دارم حالا که اراده شخصی ایشان میتواند عامل خوبی و بدی اشخاص بشود که یکمده امتحان داده و سابقه دار را محروم کنند و یکمده اشخاص بی سابقه را سابقه دار کنند لااقل اشخاصی را که رد میکنند دلیل رد شدن آنها را محکمه انتظامی بمردم بگوید تا ما بدانیم که حقیقه مصلح محترم عدلیه بچه دلیل بعضی از قضات را نفی کرده اند و یکمده را قبول کرده اند حالامیل دارند رأی بدهند میل ندارند رأی ندهند

نایب رئیس - آقای دشتی
دشتی - بنده با مقدماتی که آقای بهار فرمودند کاری ندارم برای اینکه يك منازعات خصوصی بود و از آقایان استدعا میکنم که بعد از این این عنوان پیش نیاید زیرا قضایائی که در مجلس طرح میشود باید راجع به قضایای پارلمانی باشد و اما راجع به این پیشنهادی که آقای بهار فرمودند بنده نظرم می آید که بدکتر میلیسیو کفتم فلان امین مالیه نان در فلان کاری که از وظایفش نیست مداخله میکنند گفت سندی در مقابل این است کفتم از کجا میشود سند بدست آورد زیرا بر فرض يك کسی که دزدی کرد هیچوقت سند نمیدهد که من دزدی کرده ام و همینطور که آقای داور فرمودند يك اشخاصی هستند توی عدلیه که اگر دوسیه اینها را آدم نگاه کند می بیند که نانی انزین سلمان فارسی هستند ولی کسانی که در جریان کار هستند آنها میدانند که اینها چه کار کرده اند از این جهت نمیشود دلیل آورد یعنی يك مسئله ریاضی و حسابی نیست که بگویند دو دو تا میشود چهار تا فلان آقا فلان چیز را گرفته است و پدر مردم را در آورده است اینها غالباً لباس تقوی در نظر مردم پوشیده اند. ولی بهترین دلیل خرابی عدلیه سابق همان فریاد های مردم و استغاثه ولایات بوده است که همه می شنیدیم. بنده که یک نفر روز نامه نویس هستم و با مردم سرو کار دارم حقیقه از ده نفر يك نفر راضی پیدا نکردم و آنکهی این اشخاص هم که فعلاً در عدلیه هستند اینها ایرانی هستند و البته آن اشخاصی هم که ده سال بیست سال در عدلیه خدمت کرده اند البته وظیفه وزارت عدلیه است که آنها را بیارند و بنده با آن نظر اعتمادی که به آقای وزیر عدلیه دارم هیچوقت میل ندارم که هیچکس اعمال غرض خصوصی بفرمایند و البته هم نمیکند پس بنا بر این نمیشود متشبه شد به این اصل که با باید دوسیه اینها خراب و فاسد باشد و یا اینکه بطور حتم وارد عدلیه بشوند و ممکن است اشخاصی هم باشند که

دوسیه شان هم خراب نباشد ولی نشود آنها را در عدلیه وارد کرد بنده و خود آقای بهار هم البته روی این اصل عقیده داریم.

نایب رئیس - رأی میگیریم.

بهار - مقصود بنده توضیحات بود. اصراری ندارم، شیروانی - در شب نامه هم ممکن بود

بهار - هرکس شب نامه مینویسد خائن است

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی جمعی از آقایان

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم: تبصره مدت اختیار وزیر فعلی عدلیه برای استخدام اشخاصی که سابقه خدمت دولتی ندارند. از تاریخ تصویب این قانون بیست روز است. افسر. وعده از نمایندگان

نایب رئیس - آقای افسر

افسر - اگر چه برحسب طرزی که امروز در مجلس شایع شده است یعنی داخلی شدن در متفرعات و نظایر لا اقل بنده هم باید در این موضوع دو ساعت صحبت کنم ولی بنده عقیده دارم که باید دلائل اصلی را گفت نه دلائلی که ابدأ ربطی بموضوع ندارد بنده این پیشنهاد را کردم و مقصودم از این پیشنهاد این است که با آن سنگینی که در بودجه مملکت است با آن عده مستخدمینی که بودند و هستند و بعضی از آقایان دیگر هم این پیشنهاد را امضا کردند مقصودشان اینست که برای اشخاصی که میخواهند تازه وارد شوند چهار ماه زیاد است برای اینکه اگر بنا باشد ناچار ماه دیگر بذرفته شوند این خیلی زیاد است زیرا که دو نلک اشخاصی که سابقاً در عدلیه بوده اند باید بروند باجزء منتظرین خدمت بشوند و این در واقع ظلم است و البته در این مدت چهار ماه هم امعان نظر کرده اند و کسانی را که در طهران شایسته و لایق بوده اند چه خودشان و چه دوستانشان معرفی کرده اند و بیست روز دیگر هم اختیار

داده میشود که هرکس را میخواهند در نظر بگیرند و اگر بنا باشد چهار ماه طول بکشد هم عده تقاضا کنندگان زیاد میشود هم ایشان را راحت نخواهند گذاشت و ایشان از کارهای خودشان باز میمانند لهذا بنده و جمعی از آقایان این پیشنهاد را کردیم و چنانچه آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان دقت فرمایند قبول خواهند کرد.

وزیر عدلیه - آقایان خوب است در این موضوع يك قدری مساعدت فرمایند چون خود بنده در این مدت چهار ماه قشار تمام این اشخاص بیکار را که بخیر این می افتند در عدلیه وارد شوند نمیتوانم تحمل کنم بنا بر این خود بنده هم با این فکر موافقم منتها بیست روز را ممکن است بکاهش کنند چون مصادف خواهد شد با دهه اول محرم که در حقیقت تعطیل است بنا بر این چنانچه بکمال بشود بنده هم کمال موافقت را دارم

نایب رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده با این پیشنهاد مخالفم: میفرمایند که من باب مقاربت یا تقاضاها و توقعات مدت زیادی نباشد در عین تصدیق این مسئله تصدیق فرمائید که قضات بی سابقه که امروز انتخاب میکنند و به کرمان میفرستند معلوم نیست چه چیز از آب در می آیند این يك اشتباهی است که آقایان میکنند برای اینکه در همین قضاتی که انتخاب کرده اند و خودشان تصدیق دارند که نالایقند و لایات دور دست یکماه برای انتخاباتش کافی نیست و بالاخره موفق نمیشوند به انتخابات زیرا برای گرفتن خرج سفر از مالیه تنها سه ماه طول می کشد. روی این اصل است که بنده مخالفم. بالاخره شما حساب کنید اگر يك بی سابقه را دعوت کردند و فرستادند برای بندر بوشهر اولاً بی سابقه نمیتواند این کار را انجام دهد قاضی سابقه دار هم بوشهر نمیرود. خوزستان و محرم هم نمیرود يك آدمی را که در وزارت عدلیه دعوتش میکنند يك ناز هائی دارد یعنی حقوق گراف می خواهد و مقام خوب میخواهد و نمیباید در رتب

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعنوان تبصره ماده واحده شامل مداخله در حقوق و حدود وکلای عدلیه نمیشود.

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در آن ماده واحده که راجع به تشکیلات وزارت عدلیه بود بنده پیشنهاد کردم که آن ماده شامل حال وکلای که در عدلیه هستند نمیشود یعنی خارج از این ماده هستند و خوبست آقای وزیر عدلیه يك لطفی در باره آنها فرمایند که آنها هم ازاد باشند و امیدوارم ایشان هم موافقت کنند

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد

فیروز آبادی - چنانچه خود آقای داور يك لطفی بکنند و نسبت وکلای کم لطفی نکنند بند مسترد میدارم.

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای معتضد استرآبادی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود. آقای وزیر عدلیه باید اعضاء ولایات را از مستخدمین سابق دعوت کنند

نایب رئیس - آقای معتضد

معتضد - بنده مقصودم این بود چون یکمده از اشخاصی که از عدلیه خارج شده اند و فعلاً هم بیکار هستند و جزء منتظرین خدمت هم هستند يك توجهی نسبت بانها بشود که اشخاصیکه از خارج دعوت میشوند کمتر باشند ولی بعد از آنکه پیشنهاد بکمال قبول شد بنده این پیشنهاد را مسترد میدارم.

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای حاج

شیخ بیات.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را:

تبصره - بودجه کل وزارت عدلیه از تاریخ تصویب ماده واحده نادوماه باید تقدیم مجلس شود.

مادون وارد خدمت قضائی بشود میگویند از نقطه نظر موقعیت مهم خوزستان برو رئیس استیناف آنجا بشو ایشان نمیروند پس باید دیگری را بجای او انتخاب کنند بنا بر این بگذارید در این مدت چهار ماه این امتیاز باشد که اگر يك اشخاصی را انتخاب کردند بعد معلوم شد که نالایق هستند بتوانند آنها را تغییر بدهند و يك آدم بی سابقه را نگذارند بیست سال قاضی باشد

آقا سید یعقوب - بنده اجازه میخواهم مخالف هستم با بیانات آقای یاسائی

نایب رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد با تبدیل بیست روز به يك ماه آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد آقای فیروز آبادی پیشنهاد

ختم جلسه کرده اند

وزیر عدلیه - بالاخره بنده تکلیفم باید معلوم شود الان از دروز دوره اختیارات من تمام شده است تشکیلات ولایات هم هنوز باقی است چندین روز هم هست در اینجا صحبت کرده ام و خاطر آقایان کاملاً مسبوق شده است لهذا خواهش میکنم هر طور هست له یا علیه امروز تکلیف بنده معلوم شود

آقا سید یعقوب - بنده با ختم جلسه مخالفم

نایب رئیس - فرمائید

آقا سید یعقوب - اولاً همین امروز در این تبصره مخالفین و موافقین چهار نفر پنج نفر حرف زدند بچه دلیل بنده که این را امضا کرده بودم من اجازه ندادید. ثانیاً همینطور که آقای وزیر عدلیه گفتند مجلس در این مسئله موافقت کرده است منتها دو پیشنهاد دیگر باقی

است این هم تمام شود بعد جلسه ختم شود

فیروز آبادی - بنده مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

آقا سید یعقوب - در خرداد باید بیاورند!
 حاج شیخ بیات - در خرداد هم اختیارات تمام شده بود. بنده این پیشنهاد را کردم از نقطه نظر اینکه يك بودجه هائی آفای وزیر عدلیه برای قضات که دعوت کرده اند. تنظیم کرده اند یعنی بانها گفته اند مطابق اشلی که مجلس معین کرده مثلاً برای بکنفر عضو تمیز بانصد تومان چهارصد تومان چهار صد و پنجاه تومان حقوق قائل شده اند و همین ترتیب يك رتبه هائی برای قضاة قائل شده اند و گمان میکنم اگر این بودجه زودتر به مجلس نیاید يك زحمتی اصولاً برای قضاة درست شود زیرا آنها بخیال اینکه دارای این حقوق هستند وضعیت زندگانیشان را تغییر میدهند در صورتیکه ممکن است وقتی آن بودجه را بیاورند بمجلس کم و زیاد شود و بنده از این جهت در اختیارات سابق هم این پیشنهاد را کردم که در خرداد بودجه را بیاورند بمجلس ولی در اینجا پیشنهاد کردم بودجه کل وزارت عدلیه را بیاورند زیرا هنوز تشکیلات ولایات را نداده اند بنا بر این پیشنهاد کردم که بعد از اتمام تشکیلات ولایات بودجه کل آن را بمجلس بیاورند و تکلیف اینها هم معلوم شود.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند
 (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد ماده الحاقیه پیشنهادی جمعی از آقایان
 (اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنیم:
 ماده الحاقیه - اهل محل بودن مانع از ورود در خدمت عدلیه آن محل نیست

نایب رئیس - آقای افسر
 افسر - بعد از اینکه این قوانین موقت بیرون آمد در یکی از موادمش نوشته شده بود که اهل محل نمیتوانند

در آن حوزه بسمت مأموریت قضائی انتخاب شوند سواى مرکز و صلاحیه ها: البته اشخاصی که این ماده را نوشته اند يك نظر بانی داشته اند نه اینکه بخوام عرض کنم که از روی هوی و هوس نوشته اند ولیکن ادله که آنها اقامه کردند ما را قانع نکرد و خیلی تعجب کردم که چرا باید مرکز را استثنا کنند چه مناسبت دارد؟ البته ما قبول میکنیم که مرکز باید تمیز داشته باشد و ما نباید تمیز داشته باشیم بسیار خوب. ولی این مسئله بهیچوجه مداخلت ندارد زیرا اگر این شخص آدم خوب و برهیز کاری است مال هر جا که باشد خوبست و اگر آدم بدی هم باشد اهل هر کجا که باشد بد است بنا بر این ما هیچ حاضر نیستیم که این امتیاز را قائل شویم که فقط بودن در مرکز اسباب این امتیازانی که هیچ سابقه قانونی ندارد باشد. میگویند در محل آشنا و دوست است و ممکن است نظر بانی داشته باشد بنده عرض میکنم در شهادت که بالاترین چیزها است ما هیچ وقت نگفته ایم که شهادت پدر یا برادر یا قوم خویش درباره هم مسموع نیست...

بعضی از نمایندگان - همه اش اینطور نیست افسر - اگر متقی و برهیز کار نباشد وجهاً من الوجوه نمیشود بهش اطمینان کرد. اهل محل هم هست باشد بالاخره آقایان اعضاء فراکسیون گفتند که بایستی این قید را برداشت که محلی بودن و نبودن بایستی در اصل موضوع مداخلت داشته باشد لہذا ما این پیشنهاد را کردیم حالا بسته است بنظر آقایان

دادگر - بنده مخالفم
 نایب رئیس - بفرمائید

دادگر - عرض میکنم ماعلی رغم تجربه مان که نباید رفتار کنیم مأموریت مأمورین محلی در محل تولید اشکال برای ما میکند...

(همهمه نمایندگان)
 دادگر - اولاً خواهش میکنم همهمه نکنید نمیدانم

امروز چرا اخلاق ما اینطور شده؟! چرا با هم مبارزه میکنیم؟! این ابدأ معقول نیست. خوب هر کس با این فکر موافق است رأی میدهد هر کس موافق نیست رأی نمیدهد دیگر مبارزه لازم ندارد. عرض کنم که مأمورین محلی ارتباطاتشان، طایفه شان، خانوادہشان، اتصالاتشان، الزام برعایت از متنفذینشان و بالاخره بقدری مشکلات در مقابل قضیه ریخته می شود که لاینحل میشود. خود بنده در مقابل آقای جمشیدی و شریعت زاده عاجزم...

(همهمه نمایندگان. صدای زنك)
 دادگر - بنده در يك قضیه که تصادف با بکنفر مازندرانى بکند آنجا عاجزم، چون اهل محل هستم و باید عاجز باشم زیرا میل دارم عاجز باشم، چون میخواهم در آن عائله زندگی کنم. و این اشکالات مرا زیاد میکند ولی من میتوانم ملائمت کنم قاضی نمیتواند، قاضی نمیتواند رفیق باشد، قاضی باید يك آدم برکناری باشد ما در این موضوع تجربه داریم، يك قسمت از زندگانی بنده به حل و عقد تصادمات اشخاص محلی با هم صرف میشود آنوقت يك قاضی محلی برود در يك محلی مخصوصاً در قسمت جزائی خوب عاطفه دارد بنده به عائله ام عاطفه دارم نمی شود عاطفه مرا سلب کرد: این قاضی مأمور امور جنائی هم هست باید تأدیب کند، حبس کند حکم قتل بدهد؛ این آدم نبایستی محلی باشد که بتواند این کارها را بکند تجربه به ماها حالی کرده است که محلی در محل اسیر ارتباطات خودش میشود و نسبت بوظایف خودش باوفا نیست، بنا بر این بنده باین مسئله عقیده ندارم.

نایب رئیس - آقای روحی مخالفید؟
 روحی - بلی.

حاج آقا رضا رفیع - رأی گرفته شود.
 جمعی از نمایندگان - مذاکره کافی است.

یاسائی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.
 نایب رئیس - بفرمائید.

یاسائی - يك قضیه باین مهمی بالاخره بایستی حل

شود. از روی احساسات که نمیشود حرف زد اگر بنا باشد قاضی محلی باشد کاملاً برای این مملکت مضر است.
 (همهمه و قیل و قال نمایندگان - صدای زنك - دعوت سکوت)

آقا سید یعقوب - یاسائی چه حق دارد حرف میزند! دو مخالف پشت سر هم چرا باید صحبت کنند!! یعنی چه! ...

یاسائی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم، بگذارید عرایض را بکنم. بگذارید مخالف و موافق حرف بزنند آقایانیکه که مخالف این عقیده را دارند حرف بزنند. به هو و جنجال که کار از پیش نمبرود.

(همهمه نمایندگان - صدای زنك)
 نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - بنده يك مسئله را بعرض آقایان نمایندگان ولایات باید برسانم...

عدل - (خطاب به آقا سید یعقوب) موافقید یا مخالف؟
 آقا سید یعقوب - بنده موافقم و پیشنهاد هم کرده ام عرض میکنم که ما تبعیت کردیم نظر نمایندگان آذربایجان را که آنها این فکر را به ما دادند و بالاخره...

(همهمه نمایندگان - صدای زنك)
 آقا سید یعقوب - اجازه بفرمائید، حالا خدمت آقایان عرض می کنم ما باید تا اندازه امتیاز بین مرکز و غیر مرکز قائل شویم که ولایات را مستعمره مرکز نکنیم و این اندازه امتیاز برای مرکز قائل نشویم، ما نباید تمام حقوق را از برای يك عائله که در يك جا سکنی دارند قائل بشویم و سایر جاها را مستعمره قرار دهیم و بگوئیم که چون در افریقا دولت فرانسه نمیگذارد قضاتش محلی باشند ما هم قضات مازندران با شیراز را نمیگذاریم محلی باشد بعلم اینکه ولایات مستعمره طهران است، مثلاً کرمان که دارای شصت فرسخ طول

۲۲ -

وعرض است شش تا وکیل داشته باشد ولی مرکز که عبارت است از حضرت عبدالعظیم و کوه البرز دوازده وکیل داشته باشد، این امتیازات است که ولایات را از مرکز روبرگردان میکند، خیلی خوب يك مسئله را قانون اساسی بمرکز حق داده است که باید دیوان عالی نیز در آنجا باشد، پارلمان در آنجا باشد، هیئت وزراء در آنجا باشد، بسیار خوب، اما دیگر نه اینکه هر کسی در مرکز است مثل اینکه از آسمان افتاده است و تمام مزایا متعلق به او باشد و قوانین از برای دیگران و تمام مراسم شامل حال آنها باشد، پس ما نمیتوانیم ولایات را در این جا زیر پا بگذاریم و بگوئیم قضائی که اهل محل هستند نباید در ولایات باشند همینطور که آقای وزیر عدلیه يك قدمی برداشتند برای صلح و اصلاح نه اینکه آقای دادگر فرمودند که يك مأمورینی از مرکز روانه کنیم و برود گردن ما را بزاند. خیر قضات باید بعنوان صلح و کد خدا منشی و عنوانی که در دیانت اسلام بوده است رفتار کنند این وقتی که از اهل محل باشد نمیکند زاعی اتفاق بیفتد؛ من میدانم که مأمورین غیر محلی چه مفاسدی دارند و چه بر سر مردم می آورند؛ دستور آسمانی ما قرآن است که میفرماید واجمل لی وزیراً من اهلی؛ قاضی که از اهل محل شد صلح و اصلاح میکند و حقوق مردم را حفظ میکند و اجتماعات را محفوظ میدارد بخلاف آنکسی که از اهل محل نباشد.

شیروانی - برادرش اگر آدم کشت چه میشود؟

آقا سید یعقوب - آقا قانون اعم و اهم است يك فرد نادر مشمول قانون نیست؛ اگر شما يك فرد نادری برای بر هم زدن قانون بدست بیاورید دلیل بر بدی قانون نمی شود. اساساً عنوان عدلیه مربوط به صلح و اصلاح و کد خدا منشی است برای صلح و اصلاح است نه برای جدا کردن و فصل کردن بنا بر این اگر محلی باشد تمام این منافع در دست و بقدر

امکان نمیکند ما بین اهل محل جدال واقع شود. ما نمیتوانیم ولایات را از يك حقوق مسلم خودشان منع کنیم. آقای دادگر میفرمایند در مازندران همچو واقع میشود و چنین و چنان میشود...

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ)

آقا سید یعقوب - آقایان بنده به هو از میدان در نیروم تا فردا هم اینجا میایسم و حرفهایم را میزنم. يك مسئله دیگر هم قبلاً در يك تبصره عرض کردم. آقای شیروانی مساعدت کنند. کار اساسی بشود نه اینکه به ماست مالی کار درست بشود و آن اینست که ما محکمه را که تشکیل میدهیم در تحت تفقیص و مواظبت قانونی باشد و وقتی نظر ما این باشد چه فرقی میکند؟ ولی آقایان توجه بفرمایند که اگر محلی باشد بهتر است چرا؟ برای اینکه چشمشان بهم دیگر می افتد پس ما که نمایندگان ولایات هستیم نباید حاضر شویم که این حق از ولایات سلب شود.

بیان - بنده اخطار نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمائید

بیان - در ضمن پیشنهادهائی که میشود مابین اصلاح و ماده الحاقیه هیچ تفاوتی نیست ماده ۷۹ مینویسد هر اصلاح و ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلیل آن بطور اختصار گفته شود در صورتیکه وزیر ناخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه به کمیسیون ارجاع شود. در این صورت وقتی ماده الحاقیه را مطرح قرار میدهیم یا اصلاح را باید بکنفر موافق و مخالف درش بحث کنند.

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - آقای آقا سید یعقوب يك بیاناتی فرمودند که بنده هیچوقت منتظر نبودم که ایشان این مسئله را عنوان کنند آقا مستعمرات یعنی چه؟ تمام مملکت ما صورت واحد دارد و منحصر به کرمان یا اصفهان یا شیراز نیست. تمام مملکت ما است و ایران است و همه يك حال را دارد ما میگوئیم که قاضی محلی دارای

عاطفه است و ممکن نیست در عمل بتواند کار کند قضاة محلی باید اشخاصی باشند که متنفذین محلی نتوانند آنها را تحت نفوذ در بیاورند و بالاخره اینکه قرص چسبیده اید که باید حتماً محلی باشد این بعقیده بنده خوب نیست زیرا وزیر عدلیه مکلف است که اینها را بیکار نگذارد (همهمه بین نمایندگان - صدای زنگ)

عراقی - ما گفتیم مانع نیست. کی گفتیم حتماً محلی باشد وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که آقایان بکفتری در خط افراط و تفریط افتاده اند و طرفین قضیه برای آقایان به يك صورت خاصی جلوه گر شده اولاً اگر فراموش نفرموده باشند اصل اینکه اعضاء پارک و قضات نباید اهل محل باشند این فکر را بنده در مواد نوشته ام و البته بعقیده خود بنده خوب هم بوده است که این کار را کرده ام آقا سید یعقوب - خوب نبوده است

وزیر عدلیه - بله آقای آقا سید یعقوب. حالا عرض میکنم یکمده از آقایان در این موضوع نظر مخالف اظهار میکنند و به آن معنی که اظهار میکنند راست است ولی ممکن است در بعضی مواقع يك اشکالاتی تولید بشود شما که نمیگوئید حکماً قاضی باید اهل محل باشد بلکه مقصودتان این است که اگر کسی اهل محل هم هست در صورتیکه بدرد بخورد این مانع نباشد اما این مسئله چندان مهم و اساسی نیست چون اگر بنده این مسئله آن اندازه اساسی بود مبتکر آن که خودم بودم می آمدم اینجا می ایستادم و میگفتم آقایان بنده که این فکر را پیدا کرده ام کاملاً اعتقاد به این فکر دارم و جز این فکر هیچ کار دیگری نمی شود کرد و این یکی از مسائل مهم است ولی آن اندازه که آقایان میفرمایند مهم نیست حالا برای اینکه جمع بین نظریه آقایان بشود نباید روی این فکر ایستادگی کنیم که اگر خدای نخواسته قاضی از محل باشد عالم بهم می خورد خیر ابدأ...

زوار - اگر نباشد هم عالم بهم نمیخورد

وزیر عدلیه - بلی اگر نباشد هم عالم بهم نمی خورد بنا

بر این در هر حال اطمینان میدهم به آقایان که خود بنده در عمل حتی الامکان آن فکر اولیه خودم را تعقیب کنم یعنی اگر بنا شد يك اشخاصی در يك محلی بودند و خوب بودند آنها را در آن محل بگذارند مدنی سرکار باشند تا وقتی که بتوانند ورزش کنند و آنوقت بفرستیمشان بجای دیگر ولی اگر يك مواردی هم پیدا شد چنانچه در بعضی از سابقین عدلیه بهمین اشکال برخوردیم اشخاصی که بدون گفتگو و کاملاً در مدنی که در يك محلی بوده اند خیلی خوب رفتار کرده بودند و رضایت اهل محل را جلب کرده بودند و همه هم بانها توجه دارند...

روحی - عکسش را هم بفرمائید

وزیر عدلیه - بنده عکسش را نمی آورم خواه محلی باشد خواه غیر اهل محل بنا بر این بنده دیدم اشخاصی که اهل محل بوده اند و مدتها هم خدمت کرده اند و خوب هم خدمت کرده اند آنها را نمیتوانم حاضر کنم زیرا حاضر نیستند و وضعیانشان هم طور نیست که نمیتوانند بخارج بروند اگر در يك مواردی به این اشکالات برخوردیم نباید جدیت کنیم و باید طرفین قضیه را رعایت کرد بنا بر این از آقایان خواهش میکنم بجزارت خود نیفزایند و بگذارند قضیه بگذرد

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید

یک نفر از نمایندگان - یکمرتبه دیگر قرائت شود.

(پیشنهاد سابق مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد. آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد - آقای حاج شیخ بیات

پیشنهاد ختم جلسه را کرده اند مخالفتی نیست؟

عراقی - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

عراقی - مخالفت بنده برای این است که لایحه عدلیه تمام

شده است و چیزی ندارد زیرا ماده واحده که تصویب شده تبصره بعدش هم که تصویب شده ماده الحاقیه مانده و فقط يك رأی باقی است این رأی را هم بگیری بعد جلسه ختم شود.

نایب رئیس - رأی میگیریم بختم جلسه آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. ماده الحاقیه دیگر قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - پس از انحلال کار گذارها بودجه و پرسنل آنها به وزارت عدلیه منتقل و وزارت عدلیه با رعایت لیاقت در استخدام آنها حق تقدم را مراعات خواهد نمود یعقوب الموسوی و عده دیگر از آقایان نمایندگان

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اولاً گمان نمیکنم آقایان با این پیشنهاد مخالف باشند. در اینجا ما ملاحظه کردیم که این کار گذارها قوه قضاوت در شان هست و عملی هم هستند و يك آدمهای کاری هم هستند. این است که ما پیشنهاد کردیم که آقای وزیر عدلیه اینها را مقدم بدارد. با خودشان هم که صحبت کردیم قبول کردند.

بنابر این خواهش میکنم آقایان هم قبول فرمایند وزیر عدلیه - بنده موافقم و از آقایان هم خواهش میکنم که روی این مسئله رأی بدهند و البته مقصود هم همین است که ما بتوانیم از آن اشخاصی که در این فن کاملاً نخصص دارند استفاده کنیم

نایب رئیس - آقای افسر

افسر - در اینکه مابین اعضاء کار گذارها اشخاص

لايق بافت میشود جای تردید نیست ولی چنانچه بطور مطلق بخواهیم این پیشنهاد را قبول کنیم بنده مخالفم بجهت اینکه اشخاصی هستند که بی سابقه هستند و سابقه هم ندارند بنا بر این خوب است آقای وزیر عدلیه قبول فرمایند که بعد از رسیدگی به دوسیه آنها و طرز محاکماتشان اگر دیدند که برای استخدام در عدلیه لایق هستند آنها را بیآورند و الا بطور مطلق بنده عقیده ندارم نایب رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند با ورقه رأی گرفته شود. آقایان موافقین ورقه سفید میدهند والا ورقه کبود.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۸۰

ورقه کبود علامت رد ۱

نایب رئیس - عده حاضر ۸۸ با کثرت ۸۰ رأی تصویب شد.

اسامی موافقین:

آقایان: شیروانی - حاج آقا اسمعیل عراقی - بنی سالیان - دیوان بیگی - افشار - امیر حسینخان ایلخان نجومی - دکتر طاهری - فهیمی - افخمی - افسر - سید کاظم یزدی - دکتر لقمان - میرزا حسن خان فرهمند سید جواد محقق - دکتر رفیع خان امین - ذوالقدر - حقنویس - آقا علی زارع - میرممتاز - سهرابخان ساکنیان - میرزا حسن خان ابراهیمی - میرزا جوادخان خوئی - عطاء الله خان پالیزی - محمد ولی میرزا - ارباب کیخسرو

انصرت الله خان اسکندری - معظمی - مفتی - وزیر - نگهبان - زوار - بجی خان زنگنه اعظمی - صالحی - آقا رضا مهدوی - سلطان محمد خان امری - میرزا ربیع خان جهانشاهی - محمد تقی خان اسعد - ملک ایرج پور نیور - آقا زاده سبزاری - امیر تیمور کلای - سید حسین آقایان - میرزا محمد علیخان بامداد محمد آخوند - محمد ولی خان اسدی - میرزا عبدالله خان - میرزا سید احمدخان اعتبار - خواجوی - باستانی - شریعت زاده - میرزا ابراهیم امام جمعه اهر - حاج علی اکبر امین - مرتضی قلیخان بیات - اسکندر خان مقدم - حاج آقا رضا رفیع - فومنی - ثقة الاسلامی - دولتشاهی - وکیلی طباطبائی - عدل - ثقة الاسلام بروجردی - حاج میرزا مرتضی

میرزا عبدالحسین - عصر انقلاب - آوانس خان مساعد - میرزا حسنخان موقر - میرزا سید علی عمادی - میرزا حسین آیت الله زاده - میرزا حسینخان فرزند - غلامحسین میرزا مسعود - آقا سید یعقوب - هانم آقا ملک مدنی - عطاء الله خن روحی - دادگر - دشتی - احتشام زاده - کی استوائ - محمود رضا - جوانشیر - عباس میرزا فرمانفرمایان -

مخالف

آقای بهار

نایب رئیس - جلسه آئینه روز یکشنبه چهار قبل از

ظهر. دستور اولاً اضافات فوائده عامه و ثانیاً اضافات وزارت امور خارجه.

(مجلس دو ساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

تمدید قانون مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ راجع به اختیارات وزیر فعلی

عدلیه به مدت چهار ماه

مصوب ۲۸ خردادماه ۱۳۰۶

ماده اول - مجلس شورای ملی اختیارات وزیر فعلی عدلیه مصوبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ را از تاریخ تصویب اینقانون برای مدت چهارماه تجدید و تمدید مینماید

تبصره ۱ - کلیه رؤسای محاکم و مدعی العموم ها و وکلای عمومی درحوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محرومند

تبصره ۲ - مدت اختیار وزیرفعلی عدلیه برای استخدام اشخاصیکه سابقه خدمت دولتی ندارند از تاریخ تصویب اینقانون یکماه است

ماده دوم - اهل محل بودن مانع از ورود درخدمت عدلیه آن محل نیست

ماده سوم - پس از انحلال کارگذارها بودجه و پرسنل آنها بوزارتعدلیه منتقل ووزارتعدلیه بارعبایت لیاقت دراستخدام آنها حق تقدم را مراعات خواهد نمود

این قانون که مشتمل برسه ماده است در جلسه بیست و هشتم خرداد ماه یکم هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی